

در این شماره می‌خوانیم:

- \* پیامد
- \* رنگارنگ
- \* نگاه‌های شناخته به معلم
- \* سناریو؛ لب‌مرگ
- \* مصاحبه؛ بیتا شکوری



پایان



♦ صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه  
فرهنگیان آذربایجان شرقی  
♦ مدیر مسئول: مهدی آبتین نیا  
♦ سردبیر: علیرضا خدایی

♦ دبیران واحد فرهنگی - اجتماعی: سولماز  
سیفی، محدثه محمدی  
♦ دبیر واحد سیاسی: علی قناتی  
♦ دبیر واحد تعلیم و تربیت: محمد نیک سرشت  
♦ دبیر واحد صنفی - دانشجویی: لیلا ابوطالبی  
♦ دبیر واحد علمی: علی چوبدار پروین  
♦ دبیر واحد فناوری - رسانه: محمد امین غالبی  
♦ هیات تحریریه:

مریم آتش سفیدی، فائزه آقایی، لیلا  
ابوطالبی، فاطمه اکبرزاده، فاطمه بابایی،  
مهدیه باقری اقدام، زهرا جاملو، محمدرضا  
حسنی، رعنا خدادادی، نگار رشیدی، سولماز  
سیفی، فاطمه السادات سیدنژاد، فاطمه شمع  
سوزان، الناز طباطبایی، زهرا عابدی ابللو،  
هانیه عزیزاده، هاییل عزیزادگان، محمد امین  
غالبی، توحید فتحی سراسکانرود، علی  
قناتی، رسول قناتی، وجیهه گوزلی، محدثه  
محمدی، نازیلا مظلوم، میر علی نقی زاده  
سرابی، محمد نیک سرشت.

♦ کاریکاتورست: علیرضا ابوالفتحی، حامد  
علی نژاد، محمد نیک سرشت

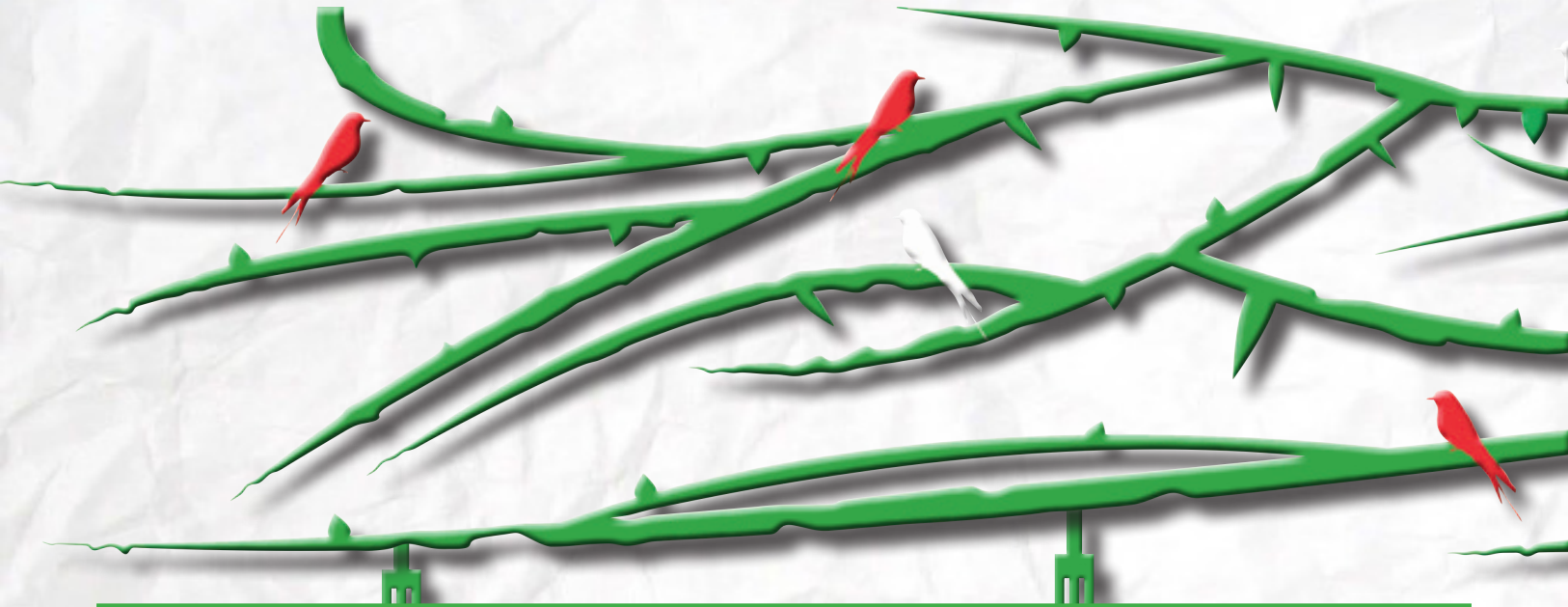
♦ مدیر اجرایی: ثمین ایازلو  
♦ گرافیست و صفحه آرا: علیرضا ابوالفتحی  
♦ طرح جلد: علیرضا ابوالفتحی  
♦ عکاس: پردیس آذررخش  
♦ روابط عمومی و فضای مجازی: زهرا خلفی  
♦ ویراستاران: فائزه ایمانی، فاطمه نوجوان



دانشگاه فرهنگیان  
خرداد ۱۴۰۰/۳۴







- |                                                        |                                                                  |
|--------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------|
| ۱۸.....کامپیوترهای، کوانتومی شگفتی بزرگ قرن ۲۱.....    | ۴.....پیامد.....                                                 |
| ۱۹.....قرص‌های هوشمند پیشرفتی دیگر در زمینه پزشکی..... | ۵.....رجعت سرخ.....                                              |
| ۲۰.....کلاس آنلاین یا آفلاین، مسئله این است!.....      | ۶.....رنگارنگ.....                                               |
| ۲۱.....امتحان مجازی، خوب یا بد؟!.....                  | ۸.....کتابدار.....                                               |
| ۲۲.....شاد در بوته نقد.....                            | ۹.....تعلیم و تربیت چه اهمیتی در جامعه امروز دارد؟.....          |
| ۲۳.....قانون کیی رایت.....                             | ۱۰.....حضور.....                                                 |
| ۲۴.....سناریو؛ لمس مرگ.....                            | ۱۱.....إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ..... |
| ۲۵.....ایرانگرد؛ ایبانه، یاقوت سرخ ایران.....          | ۱۲.....تنویری برابری.....                                        |
| ۲۶.....هتل فرهنگیان و پذیرش ۱۴۰۰.....                  | ۱۳.....تلنگرانه.....                                             |
| ۲۷.....رتبه بندی.....                                  | ۱۴.....عاشق قفس بنده‌ی دانه!.....                                |
| ۲۸.....مصاحبه.....                                     | ۱۵.....چمران؛ آن دکتر واقعی.....                                 |
| ۳۰.....روز دختر.....                                   | ۱۶.....تعلیم و تربیت از نگرش دین مبین اسلام.....                 |
| ۳۱.....امید باید باشد.....                             | ۱۷.....نگاه هستی شناسانه به معلم.....                            |

بر آنکه هیاهوی درونم از اوست      برهان و دلیل در و رنجم از اوست  
 آفاق در این هجر و فراقم نزدیک      پرسشش شور از یار، دلایم از اوست  
 در بند فراق، کل عمرم به سر      هیچش خبری نشد، نفهمید از اوست

زندگی ادامه دارد...

نتوان به یک سخن گفت

همه کس به یک تمنا همه عمر خون برانند، نه دل از جهان بپستی نه فراق جان کشیدی به همین  
 لباس زیباست نشان آمیت؟؟ همه انسان دنیا برویونند و برفند، دگر این غارت دنیا به چنین  
 رهش چرایی؟؟  
 هشیار بباش و زندگی کن که دگر زمان نداری همه عمرت این دو لحظه به چه سان توم شماری؟  
 فقط این بدان که هر دم

زندگی ادامه دارد....

نشریه قلم با توجه به نقش تعیین کننده در پیشبرد اهداف و بیان عقاید آینده سازان فرهنگ ایران  
 اسلامی، اقدام به تحقیق، تفحص و تولید محتوای مفید می نماید.  
 متفکران مشارکت داشته در تدوین و تولید نشریه، جزئی از جوهره‌ی تحلیلی و تثبیت خویش را در  
 صفحات آن جاری می سازند.  
 امیدواریم قطره‌ای از دریای روشنگری و راهبری را در عقاید و تفکرات باخردانه مخاطبان گرامی جای  
 داده و ذره‌ای در تفکر و تفوق این عزیزان مثمرتر واقع شویم.

علیرضا خدایی



## پیامد

خط فکری سودازدهای که ما را به پر کردن خشاب فرهنگ علیه خودمان وادار می‌کند...

سولماز سیفی

پرورش جان‌هایی که آبرو نفروشدند؟ چیزی به‌جز قانونی که مشارکت در مسائل کشورشان را به‌اندازه تنفس برای بقا جدی بگیرد؟ پس چرا عده‌ای به این نظر هستند که چون مشارکت پیشینشان در انتخابات دو دوره اخیر ریاست جمهوری نتوانسته نظام سیاسی را به آنچه آنان می‌خواستند قانع کند پس حضورشان بی‌ثمر است؟ چه شد که شدیم محصول تناقض‌های تعریف‌نشده یک عده؟ عدم تحقق وعده‌های منتخبان و مقاومت قدرتمند در سطوح بالا در مطالباتمان را پای بی‌فایده بودن انتخابات گذاشتیم؟

بیایید این بار من برایتان بگویم:  
تأثیر فرازوفرودهای سیاست بر مشارکت در همه‌جاهایی که انتخابات وجود دارد هست، گاهی با نتیجه افزایش و گاهی کاهش، اما تا زمانی که صندوق رأی هست مشارکت حداقلی، رقابت نسبی و عدم حضور عده‌ای ولو؛ هیچ لطمه‌ای به مشروعیت یک نظام وارد نمی‌کند؛ و شما اگر در این تب نابسامان رأی دادن را تکلیف نمی‌دانید و عدم شرکت را حق خود و البته یک کنش سیاسی برای ارسال پیامتان به نظام تلقی می‌کنید، یک‌بار به عقب برگردید؛ هزینه و فایده تصمیمان را برای یک‌بار دیگر مرور کنید. چه از دست می‌دهید؟ چه به دست می‌آورید؟  
حصار ذهنتان را بشکنید و از این یک‌مشت خاک بلاتکلیف به نام «انسان قرن ۲۱» آدمی با شمایل اصیل و تفکری مستقل و پایبند به اصول اقتدار کشورش بیرون آورید...

خشت به خشت افکارم را که روی هم می‌چینم می‌رسم به دیوار بلند منطق! دیوار منطق بلند است؛ اما این روزها شک از یقین سبقت‌گرفته است، حال جهانمان به سمت فاجعه سازی هدفمندی می‌رود، هدفی که خواهان تبدیل‌شدن ما به یک مغز درمانده و بی‌تفاوت است! مدام می‌اندیشم که مقصر نرسیدنمان به بلندترین شاخه آرمان‌خواهی چیست؟ مقصر کدام لایه پنهان شک است؟ کدام جریان فکری به دنبال بی‌اعتبار سازی تلاش جمهوری اسلامی است؟ چه شد که دستان پرمهر ظلم، چنین تازیانه‌های شدیدی به تن عقلانیت زد و رسیدیم به «رأی بی رأی»؟

سیاست، دنیای

نسبیت‌هاست این‌گونه

نیست که چون قبلاً برخی

چیزها را ازدست‌داده‌اید این بار هم قرار

استاز دست بدهید! در سیاست گاهی باید به

جبر و گاهی به اختیار راه آمده‌تان را دوباره

مرور کنید که نه برای تکرار،

برای عبرت!

کمپینی که با نمایشی دانستن ماهیت انتخابات جمهوری اسلامی به دنبال عدم حضور مردم پای صندوق‌های رأی است! کمپینی که فضای انتخاباتی‌مان را به مرزی از جنون رسانده که هجمه زیادی از تصاویر و مطالب را برای فرسایش مغزمان منتشر می‌کنند و این ساربان عجول، حال در وهله جوییدن جرمه روح بشر ایران حال حاضر است! شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» سر می‌دهند برای مشروعیت زدایی از نظام سیاسی کشور؛ و به گمانم این‌گونه می‌پندارند که با کاهش مشارکت انتخاباتی می‌توانند زیر سؤال برند مشروعیت نظام سیاسی کشور را؛ و یا تضعیف کنند پایه‌های نظام سیاسی را!  
راستی تا یادم نرفته بپرسم ما از انقلاب چه می‌خواستیم؟ چیزی جز راهی مطمئن برای شجاع بودن؟ آزاده اندیشی و



# رجعت سرخ

فاطمه اکبرزاده

شبانگاه سیزدهم خرداد، دست‌ها رو به آسمان، چشم‌ها گریان و لب‌ها دعاگو؛ بوی الهی به مشام میرسد، فرشتگان به دیدار مردی شتافته‌اند که در بستر بیماری است.

مردی از طایفه آینه‌ها، منجی دادگر لفظ خدا، حضرت حق و سخاوتمند بیدادگران، چشم امید مسلمین جهان، قلب عاشقان اسلام و آیینی زیبای صفات خداوندی، روح الله خمینی.

اوست که ایران را از تاریکی‌ها و جهل‌رهای داده، آینده‌ی روشنی را برای سرزمین ایران و جهان ترسیم کرده، اهریمن سفاک را به زانو درآورده، جام زهر تحمیلی را سر کشیده است.

اینک نفس‌های آخر را می‌کشد. طبیبان همه دست‌درست تلاش می‌کنند تا مگر خمینی را اندکی بیشتر در بین ما نگه دارند و از جام وجودش بیشتر بچشانند تا مگر دنیا با فروغ او روشن‌تر گردد و نور وجودش بر زمین و زمینیان بتابد.

آنچه در زمین است. از زن و مرد، از کوچک و بزرگ برای سلامتی‌اش چله بسته‌اند و دعا میکنند اما انگار روح خدا زمینی نبود، روح آسمانی او را زمین نمی‌توانست مأوا باشد...

سحرگاه چهاردهم خرداد، ناگاه مجری اخبار با چشمی اشکبار و صدای لرزان اعلام کرد:

انالله وانا الیه راجعون... روح خدا، به خدا پیوست.

دیگر اشک، آه و ناله وارثان سوگ بزرگ‌مرد بودند؛ فریاد و فغان ملتی که بر سر و سینه می‌زدند، روح خدا پرکشیده بود. ما مانده بودیم و عالم بی روح.

تو که خودخال لبر از چه کردار شمر  
تو طیب همه لبر از چه تو پیر شمر  
تو که فارغ شدی بوزن همه کوز و کاغذ  
منصور بیدم همه تر از شمر

ملت ایران به احترام بنیانگذار ایران اسلامی، بارگاهی ساختند تا مأوای عاشقان خمینی باشد؛ و اینک پس از سی و دو سال هنوز نیمه خرداد، داغ ایرانیان تازه می‌شود و انگار که همین الان است که خمینی کبیر را از دست داده‌اند.

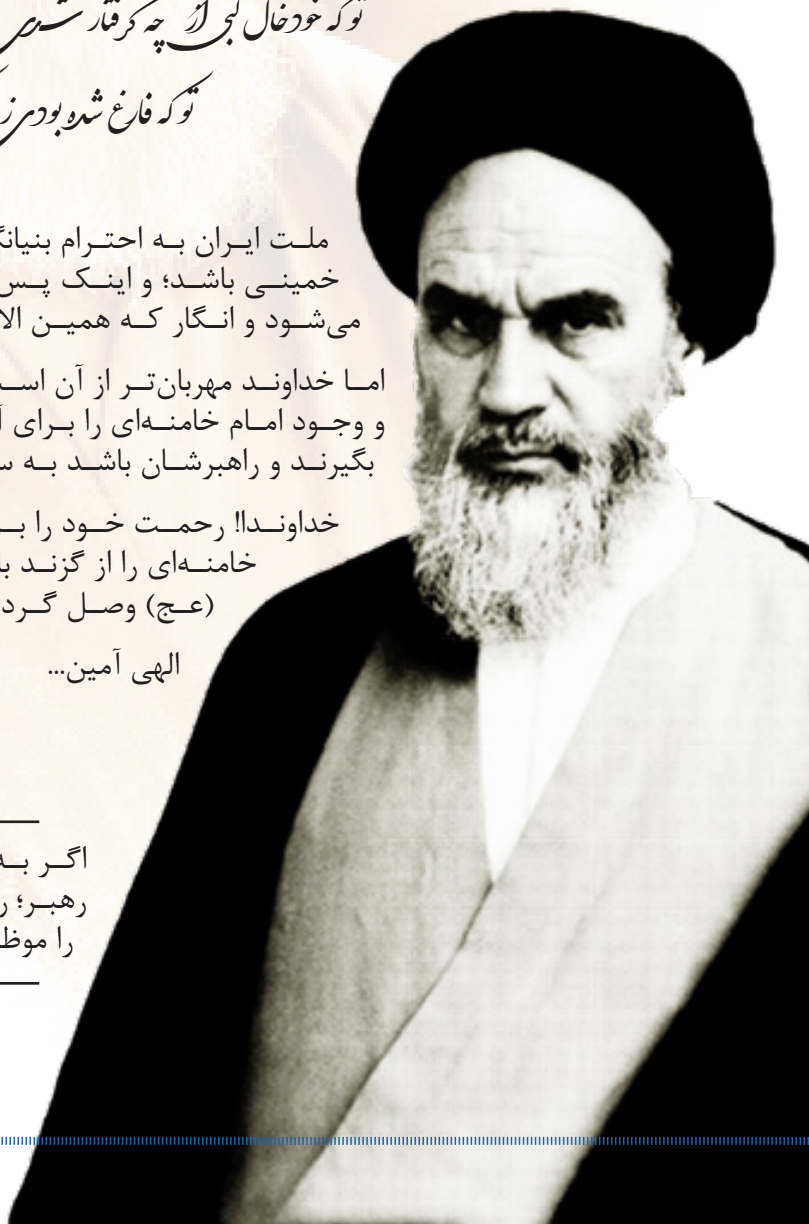
اما خداوند مهربان‌تر از آن است که تصور شود. هرگز مردم ایران را تنها نگذاشت و وجود امام خامنه‌ای را برای آن‌ها ارزانی داشت تا مگر بتوانند بوی خمینی را از او بگیرند و راهبرشان باشد به سوی حق.

خداوند! رحمت خود را بر امام خمینی و رهروانش افزون گردان و وجود امام خامنه‌ای را از گزند بلایا محفوظ دار و انقلاب او را به انقلاب مهدی فاطمه (عج) وصل گردان.

الهی آمین...

روح‌الله المومنی  
انجمنی

اگر به من بگویند خدمتگزار، بهتر از این است که بگویند رهبر؛ رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است، اسلام ما را موظف کرده که خدمت کنیم. (صحیفه امام - جلد ۱۰ - صفحه ۴۶۳)



# رنگارنگ

قبل از آنکه از رنگ‌های جدید که به میدان آمده‌اند بگویم، می‌خواهم بگویم خیلی سبز را به سینه می‌کوبیدند و بنفشه‌اش شد این واژه به حال میوه‌ای که از این بنفشه بروید.



عوام بفربینند؛ برای کسانی که با یک انگشت بنفش و با انگشت دیگر سبز را انتخاب کردند، خدا را شکر دیدند که بنفشه‌ای که از سبزه رویید؛ گل نبود بلکه خوره‌ای بود که به جان مردم افتاد و زالو صفتی که سخت خون مردم را مکید و اگر پدر دلسوزمان نبود؛ شاید کشور را به کل تقدیم آن‌هایی می‌کرد که یک مدرک دکتری به او دادند ...

از بنفشی گفتم که حالا به سیاهی میزند! حالا دوستان خودش هم که روزی گلو پاره می‌کردند آن‌چنان که گریبان از دست بدهند و یکهو از شدت عشق و ارادت بال درآورده پرواز کنند؛ که البته خیلی از جوانان و دختر پسرها در همین ستادها، شبانه‌روزی در حال پرواز بودند و رأی همین‌ها سخت کمر هفت‌په را شکست، کارخانه‌ها را خاموش کرد و مردمی که مدتی به بورس پناه آوردند هم سخت ناامید کرد. از جریان واکسن، برجام و دعوت به برخی کارها توسط برخی نفوذی‌ها، از بتن کنی هسته‌ای و خنده‌های ریز و درشت با اجنبی، از آبروریزی آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان تا دروغ‌ها و وعده‌های صد من یک غازی رجلان که بگذریم؛ هنوز که هنوز است منتظر برنامه‌های صدروزی ایشان هستیم! گفتند دور دوم قرار است برداشت کنیم؛ ولی میوه‌ی پلاسیده هم نصیبمان نشد؛ اما این را برای مردمی که فریب خوردند و اعتماد کردند؛ برای سلبریتی‌هایی که جیغ و داد زدند و گفتند خوب است بی‌آنکه خودشان خوب باشند؛ کلیپ و شعر و فیلم و... ساختند؛ اما آیا حالا پاسخ این را می‌دهند که اعتماد مردم کجا رفت؟ بتن شد، به راکتور ریخته شد، خنده شد و نثار غرب شد، چماق شد بر سر منتقد و هر

بازی جالبی آغاز شده است؛ دنیای جدید که خیلی وقت است تکرار می‌شود و این تکرارها گاهی کار دست مردم می‌دهد؛ گاهی دلسوزی‌های نا به جا که البته به جا برای پر کردن جیب پسران و دختران و نوه و نتیجه خارجی و داخلی خویش است؛ نه برای مردمی که گرسنگی می‌کشند! اما به خاطر کشور حرف نمی‌زنند از سختی، گرانی، بی‌پولی و...؛ اما به خاطر رهبرشان چیزی نمی‌گویند؛ برای کشوری که خون شهدا سرخی پرچمش را سخت به چشم می‌آورد و فرهنگش سفیدی‌اش را؛ و مردم که با صورتی خندان هنوز سبزی این پرچم را حفظ می‌کنند؛ اما این بازی رنگارنگ دچار مردمی شده است که از بدو تولد، یکرنگی را پیشه کرده است. گاهی تلخ است؛ البته برای برخی که همانند آفتاب‌پرست‌ها، البته خیلی بهتر به هر رنگ و شکلی درمی‌آیند! بسیار هم خوشایند؛ نان آور و پول‌ساز است. برای تمام کسانی که عوام‌فریبی می‌کنند؛ گویی نان خانه را از فریب و یا انحراف ذهن مردم از هزینه کردن اعتمادشان به دست می‌آورند؛ اما می‌خواهم کمی با دقت به این رنگ‌ها نگاه کنم؛ به نظرم رنگ‌هایی از بنفش، آبی، قرمز، زرد، سیاه، سبز و دیگر رنگ‌ها ... از آبی اگر بخواهم بگویم گرگ پیر این بازی رنگارنگ است. بسیار قبل‌ها این رنگ به این مجمع رنگ‌ها اضافه شد؛ از خود هزینه کرد اما به جایی نرسید. باینکه پدر ملت مدتی در لفافه به او فرمود که با این لباس در وادی سیاست قدم نگذارید اما ... باز هم آمده است با شعار جوان! اما مشکل این است؛ کو جوان؟ از سبز بگویم کار لنگ می‌شود، همیشه رنگ سبز در این بازی رنگارنگ خاطره‌ی خوبی نیست؛ بوی دروغ، تفرقه، دورویی و بی‌حیایی، نا انصافی و نامردی می‌دهد، بوی کلاه‌برداری، بوی خستگی مردمی که بدجور گمراه شدند و بر سر گمراهی مبارزه کردند و می‌خواستند به خودی گل بزنند که شکر خدا نشد. این رنگ، رنگ اصلی نیست اما بسیار مکمل است برای کسانی که می‌خواهند



به انتخابات نزدیک می‌شوید

مسیر خود را انتخاب کنید



خلق را تکرارشان بر  
باد داد / ای دو صد  
لعنت بر این تکرار  
باد

دنیای رنگ عوض  
کردن‌ها از آبی  
به سبز از سبز به  
بنفش! جماعتی که از  
بابت تغییر رنگ روی  
آفتاب‌پرست را سیاه  
کردند.



آنچه سرتان بیاید حقتان است.

از قرمز پیر و پرحاشیه‌ای که سخت در تکاپو برای به چنگ آوردن دوباره‌ی میز ریاست و قدرت قرمزی که زمانی محبوب شد و از انصاف به دور است نگوییم خوب کار نکرد؛ اما در این دنیا هیچ‌کس ثابت نیست و کسی هم معصوم نیست، همه عوض می‌شوند؛ همه تغییر می‌کنند؛ در کلام، در رفتار، در تصمیم و در همه چیز...؛ اما قرمز پیر دوباره می‌خواهد شانس خود را برای آمدن برای اعتماد مردم امتحان کند، سخت هم در تکاپوست؛ یعنی همه در تکاپو هستند؛ همه‌ی این‌ها به کنار، این‌ها پیران و قدیمی‌های این بازی رنگارنگ هستند که بعضی‌ها قاعده را بلدند و بعضی‌ها هم نه؛ اما تمام این‌ها به کنار رنگ‌های جدیدی آمده‌اند؛ رنگ سبزی که شاید اگر بتواند به میدان بیاید خاطره‌ی سبز را پاک می‌کند. سبزی که جنسش متفاوت است؛ سبزی که جوان و نیرومند، بزرگ و دلیر است، قوی هست؛ اما جوان است، گمنام است، هرچه نباشد حداقل دیگر دروغ نمی‌گوید. جوان است و به قول خیلی‌ها مزه‌ی قدرت زیر دندانش را نگرفته؛ اما حس می‌کنم اطرافیان گاهی به افراط شدید دچارند. او هم آدم است، انسان است، قدیس نیست، نعوذبالله خدا نیست، او هم آدم است. نشود آن طوری که سخت از قرمز حمایت شد اما جواب خوبی از این حمایت نگرفتیم، نشود زمانی که کسی را سخت به بالا می‌آوری اما ارزشش را بد نشان می‌دهد. جانب احتیاط و دوری از افراط و تفریط اهم این بازی رنگارنگ است؛ و نتیجه‌اش بعدها مشخص می‌شود. سبزپوش دیگری هم در میدان است؛ اما هنوز خود را نشان نمی‌دهد، باتجربه است با اینکه بسیار در پشت سرش صحبت می‌کنند، بسیار او را تخریب می‌کنند اما زیاد است تجربه‌های سازندگی‌اش. حداقل همین حالا هم پروژه‌هایش را به نام خود افتتاح می‌کنند.

آرام است با اینکه بسیار غوغا به پا می‌کند. بعد از تمام این‌ها ترس من سیدی است که بسیار تحت فشار است برای آمدن؛ اما دلسوزان و محبان می‌دانند سخت است آمدن به این میدان پرفراز و نشیب و پر از ناجوانمردی و خنجرهایی که آماده‌شده‌اند از پشت فروشوند، سیدی که برای بالاتر انتخاب می‌شود. فردی نیز از همین طایفه هست؛ فردی که ترس رویارویی با منتقد را دارد، فردی که با قصه‌های راست و دروغ مجمع علمی را سرگرم می‌کند و وقتی می‌بیند که در تنگناست؛ در جا فرار را بر قرار ترجیح می‌دهد. کسی که یک شغل کارمندی با حقوق غیر کارمندی را حق فرزندش می‌داند؛ اما این حق هیچ‌یک از فرزندان این مرز و بوم نیست که با تمام مشکلات و کاستی‌ها و سختی‌ها می‌سازند و دم نمی‌زنند، پشت درهای بسته می‌مانند و بغض را دوباره و صد باره فرومی‌برند. کسانی هم آمده‌اند که با افتخار دارایی خویش را که معلوم نیست از کجاست فریاد می‌زنند و افتخار می‌کنند که هیچ غلطی در دوره‌ی ریاست بر میز خویش نکرده‌اند! به ژنرال بگویید که وقت بازنشستگی است. سروان‌های جوان! این بار دست از پا خطا کنید استخوان‌هایتان را خرد می‌کنند، به برادران بگویید که پرونده‌ی‌تان را سید می‌بندد؛ طوری که دیگر حتی خواب گمراه کردن مردم مظلوم را نبینید؛ اما در آخر به پدر گوش کنید، پدر بسیار عذاب می‌کشد، بسیار نگران و دلواپس است؛ اما خدا را دارد و فریاد (ان معی ربی) را هرروز سر می‌دهد؛ به صدایش گوش کنید... نگاه کنید، بشنوید و فکر کنید؛ و در آخر انتخابی اصلح را انجام دهید تا دین خویش به مظلومانی که بسیار زیر پای قدرت له‌شده‌اند ادا کنید... من الله توفیق

# کتاب

## کتاب بیشعوری اثر خاویر کرمنت

هانیه عزیزاده

خطرناک‌ترین عارضه‌ای که بشر تاکنون به آن مبتلا شده، یا خطر ابتلایش به آن بشریت را تهدید می‌کند چیست؟ طاعون سیاه؟ آنفلانزای اسپانیایی؟ ابولا؟ کرونا؟ خاویر کرمنت معتقد است هیچ‌کدام؛ بیشعوری!

کتاب بیشعوری با وجود اینکه یک کتاب معتبر علمی نیست، اما حرف‌های مهمی برای گفتن دارد. حرف‌هایی که ممکن است برای یک خواننده جدی بسیار آگاهی‌دهنده باشد. حرف‌هایی که شاید در قالب طنز بهتر بتوان آن‌ها را بیان و به خواننده منتقل کرد. نویسنده در ابتدای کتاب، مقدمه‌ای از زندگی خودش و این‌که چطور متوجه شده آدم بیشعوری است، ارائه می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه رفتار خود را اصلاح کرده است و حالا می‌خواهد به دیگر بیشعورها هم کمک کند تا آن‌ها خودشان را اصلاح کنند. خاویر کرمنت اعتقاد دارد که شاید نتوان تعریف دقیقی از بیشعوری ارائه کرد اما می‌توان به راحتی آن را تشخیص داد.

بیشعوری حماقت نیست و بیشتر بیشعورها نه تنها احمق نیستند که نسبت به مردم عادی از هوش و استعداد بالاتری برخوردارند. خودخواهی وقاحت و تعرض آگاهانه به حقوق دیگران که بُن‌مایه‌های بیشعوری هستند، بیشتر از سوی کسانی اعمال می‌شود که از نظر هوش، معلومات، موقعیت اجتماعی و سیاسی و وضع مالی اگر بهتر از عموم مردم نباشند، بدتر نیستند.

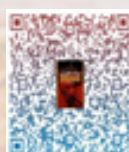
## شیطان و دوشیزه پریم

زهرا جاملو

«پائولو کوئیلو» نویسنده برزیلی کتاب شیطان و دوشیزه پریم، تقریباً در همه‌ی نوشته‌های خود به دنبال پاسخ به سؤالاتی اساسی درباره خدا، جهان و انسان است که هر فرد فکوری احتمالاً در طول زندگی خود با آن سؤالات روبه‌رو شده است. شاید بتوان نوشته‌های او را آمیزه‌ای از عرفان، فلسفه و جهان‌بینی دانست. در کتاب ۱۷۶ صفحه‌ای شیطان و دوشیزه پریم که در سال ۱۳۹۸ به‌وسیله «بهناز سلطانی» ترجمه‌شده و در انتشارات مجید تهران به چاپ رسیده است، نیز سؤالی دنبال می‌شود که شاید بارها به آن فکر کرده باشیم و یا نه! شاید هرگز به ذهنمان خطور نکرده است: «انسان ذاتاً بد است یا خوب؟» البته باید توجه داشت این کتاب نیز مانند اکثر کتاب‌های نویسنده، فارغ از ملیت، جنسیت، دین و مذهب و با دیدی جهان‌بینانه نوشته‌شده است. داستان کتاب، در فضای دهکده‌ای دورافتاده به نام ویسکوز، با مردمانی که گمان می‌کنند بدی در آن راه ندارد، اتفاق می‌افتد و دوشیزه پریم تنها فرد جوان دهکده، ناخواسته در فضای نیازمند تصمیم‌قرار می‌گیرد؛ یکسو خدا و سوی دیگر شیطان رجیم. تصمیم‌گیری باید ظرف یک هفته اتفاق بیفتد و این‌که دوشیزه پریم چه تصمیمی بگیرد، سرنوشت دهکده را تعیین می‌کند. ماجرای ورود شیطان به دهکده، آشنایی او با دوشیزه پریم، تصمیمی که باید گرفته شود و درنهایت پاسخ سؤال ذهن نویسنده، درمجموع روایتی شیرین را خلق کرده و لحظاتی جذاب را برای خواننده رقم می‌زند. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «شیطان وحشت کرد، اما تصمیم گرفت خاموش بماند. نباید نشان می‌داد که او هم ترسیده است. آن مرد رو به خدا کفر می‌گفت و کردار خودش را توجیه می‌کرد، اما پس از دو سال این نخستین بار بود که می‌شنید مرد رو به خدا سخن می‌گوید. این نشانه بدی بود!»



برای ورود به صفحه خرید کتاب  
شیطان و دوشیزه پریم روی بارکد  
کتاب لمس کنید.



برای ورود به صفحه خرید کتاب  
بیشعوری اثر خاویر کرمنت روی  
بارکد کتاب لمس کنید.



## تعلیم و تربیت

### چه اهمیتی در جامعه امروز دارد؟ نازیلا مظلوم

یا خودباختگی دینی، فرهنگی و ملی نشوند. گسترش این آموزش‌ها در مدارس نه تنها در کاهش آسیب‌های اجتماعی مؤثر است؛ بلکه در اشاعه فرهنگ قانون مداری در جامعه حائز اهمیت است.

همچنین دستیابی به اهداف موجود در سند تحول بنیادین کشور و پیشرفت و ترقی در پرتو اهداف موجود در آن؛ نیازمند تربیت نسل جدید بر اساس اهداف متعالی موجود و تعلیم همه‌جانبه مفاهیم از شیوه‌های صحیح می‌باشد.

به‌طور کلی می‌توان گفت هر جا که سخن از توسعه انسان‌ها و جوامع انسانی مطرح می‌شود، نیاز به تعلیم و تربیت حس می‌شود. داشتن آینده‌ای پیشرفته، مردمانی متفکر و آزاداندیش، جامعه‌ای برپایه اهداف متعالی و... همگی از طریق تعلیم و تربیت صحیح انجام می‌شوند. اگر امروز در کشوری آمار جرائم و جنایات بالا است یا در میان کشورهای توسعه‌نیافته قرار گرفته است؛ یا حتی اگر کشوری جزو بهترین‌های فناوری، علم یا اقتصاد است، همگی ریشه در تعلیم و تربیت کشور دارند.

بنابراین نداشتن شهروندان تربیت‌شده، به معنای نداشتن رشد و توسعه می‌باشد. رشد و توسعه سبب پیشرفت افراد در جامعه شده و به باورها و درنهایت رفتار افراد، جهت و سویی درست و مثبت می‌دهد. مهم‌تر از همه این‌ها، مسئله دین و فضایل اخلاقی است که تعلیم و تربیت از طریق آن افراد را به سمت کرامت، انسانیت و رسیدن به فطرت انسانی سوق می‌دهد.

تعلیم و تربیت به منظور آگاهی، دانایی و رهایی انسان‌ها از جهالت و نادانی است. از آنجایی که نیروی انسانی، سرمایه اصلی یک کشور محسوب می‌شود؛ اگر به‌خوبی رشد و تعالی یابد، پویایی و شکوفایی آن سرزمین رقم خواهد خورد؛ و هرروز بر سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، علمی و فکری آن افزوده خواهد شد. «فریره» که از سردمداران تعلیم و تربیت می‌باشد، معتقد است که آزادسازی انسان‌ها از جهالت، خود یک توسعه است. اندیشمند دیگری به نام «کوهن» معتقد است که دولت‌های متمدن، وجود خود

را مدیون تعلیم و تربیت بوده و این امر است که باعث پیشرفت یا انحطاط یک دولت می‌شود.

نتیجه برخورداری از یک جامعه فعال و پویا، فتح قله‌های رشد و ترقی در دستیابی به فناوری و دانش علمی برای بهتر زیستن است. توسعه انسانی رکن اصلی توسعه پایدار است که در هر کشوری بر دوش آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش در ساختن یک جامعه پویا نقش محوری دارد؛ به دلیل اینکه جامعه هدف آموزش و پرورش

اکثراً کودکان و نوجوانان هستند و بخش عظیمی از هویت و شخصیت هر انسانی در این دوره شکل می‌گیرد. امروزه با توجه به گسترش فضاهای مجازی و متمایل شدن جنگ‌ها علیه ملت‌ها به سمت این فضا، باید استفاده آگاهانه و صحیح از فضای مجازی به افراد تعلیم داده شود؛ تا افراد با استفاده از سواد رسانه‌ای که کسب کرده‌اند در دنیای پیام‌های بی‌حد و مرز مجازی به‌درستی بتوانند محتوای پیام‌ها را تحلیل کنند و دچار غربزدگی

**رهبر معظم انقلاب  
در خصوص نقش تربیتی  
آموزش و پرورش می‌فرمایند:**  
**آموزش و پرورش انسان‌ساز، تمدن‌ساز و  
کانون خلق آینده است؛ پس نباید از نقش  
این دستگاه مهم در تمدن ایرانی و اسلامی  
غفلت کرد. این فرمایشات و سایر  
فرمایشات ایشان نشان‌دهنده اهمیت  
تعلیم و تربیت می‌باشد.**



# حفظ و

خانه مردان زاده

یکی از عوامل حفظ و تقویت نظام سیاسی در هر کشور، مشارکت سیاسی مردم در اعمال حاکمیت است.



ملت به پای صندوق‌های رأی به صورت شمربخش حتی قشر خاکستری، یکی از ملاحظات است که باید به آن توجه کنیم؛ لذا هر اقدامی که به این اصل حیاتی در انتخابات لطمه زند باید کنار گذاشته شود.

سایت‌های نامعتبر و دست نشانده مزدوران، دلک‌هایی که به دنبال منفعت خود در هر زمینی بازی می‌کنند، کسانی که رای می‌خرند و رای می‌گیرند، کسانی که از طریق احساسات رخنه به ذهن مردم می‌کنند و...

از آنجایی که دشمن همواره این مشارکت حداکثری را نشانه گرفته است؛ و می‌توان گفت که هر آن ممکن است آسیبی این اصل مهم را تهدید کند! وظیفه ما در قبال این تهدید احتمالی دشمن، تلاش برای خنثی‌سازی آن برای جلوگیری از کاهش مشارکت در سطح جامعه است. علاوه بر بحث مشارکت حداکثری، بایستی این نکته بسیار مهم را در نظر داشت و اهمیت داد که در انتخاب خود دقت بسیاری به خرج دهیم تا فردی متناسب با وضعیت موجود در جامعه و حکومت، انتخاب کنیم؛ نه فردی که از طرف روباها صفتان برای بارگزاری هدف‌های ننگین آمده باشد.

در ابتدا باید گفت که انتخابات عالی‌ترین مظهر حضور مردم در عرصه سیاسی و مهم‌ترین راه برای تحقق حاکمیت مردم است و همچنین فرصتی است برای مردم که نظر خودشان را نسبت به شیوه حکومت و مدیریت یک دولت ابراز کنند، خائنین تابع دولت‌های ظالم را بیرون و دولتمردان لایق را بر سرکار بیاورند تا خرابکاری‌های آن‌ها را درست و برای مردم خدمات‌هایی که انتظار می‌رود را به‌جای آورند. واقعیت این است که بحث مشارکت در انتخابات، مسأله جدی و اساسی، یک تکلیف ملی، فردی و شرعی است. اساس نظام جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا بر اساس رای ملت بوده است، ولو گاهی اوقات انتخاب‌ها به‌صورت ناآگاهانه صورت گرفته و باعث شده وضعیت وخیم‌تر گردد؛ اما در این بین، مسئول چنین انتخاب‌هایی، مردمی هستند که حتی اشتباه خود را گردن نمی‌گیرند و باری دیگر مصرانه‌تر همان اشتباه را تکرار می‌کنند.

همیشه انتظار رفته و نیز می‌رود که انتخاباتی برگزار شود که در آن رای دهندگان با آگاهی کامل و مبتنی بر فهم صحیحی از شرایط و نیازها و اولویت‌های کشور، به نامزدها رای دهند نه با تبعیت از کسان دیگر که نتیجه‌ای جز تباهی ندارد. تلاش برای تحقق مشارکت حداکثری و آوردن همه اقشار

انتخابات مطلوب انتخاباتی است که دارای مؤلفه‌های متعدد باشد و از دل یک رقابت سیاسی صحیح و سالم بیرون بیاید. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «رقابت سالم این است که همه خوب بازی کنند، همه خوب حرکت کنند».



# إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ

هابل عزیزادگان

لا سُوَّءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكَذِبِ

«هیچ بدی بدتر از دروغ نیست»

پزشکیان: بدون مشارکت مردم و تعامل با مردم امکان خروج از مشکلات وجود ندارد!!!

بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز با توجه به بازه زمانی حساس فعلی و انتخابات سرنوشت ساز پیش رو در نظر داشت پیرو فرمایشات مقام عظمی ولایت مبنی بر ایجاد فضای آزاد گفتگو در دانشگاه و نیز تاکیدات مکرر ایشان مبنی بر محرمیت مردم و نیز لزوم حضور حداکثری مردم در پای صندوق رای و به جهت تضارب آراء و افکار جریانات سیاسی و تنویر اذهان عمومی بالاخص قشر دانشجو، به نمایندگی از دو طیف سیاسی، آقایان دکتر احمد علیرضا بیگی و دکتر مسعود پزشکیان را به گفتگو و مناظره در این دانشگاه دعوت نماید. در همین راستا دعوت نامه رسمی برای هر دو بزرگوار صادر گردید که دعوت نامه دکتر بیگی روز پنج شنبه مورخه ۱۴۰۰/۰۲/۰۹ و دعوت نامه دکتر پزشکیان به علت پاسخگویی دیر هنگام مسئول دفتر ایشان به تماس های ما، روز شنبه مورخه ۱۴۰۰/۰۲/۱۱ به دفاتر این عزیزان وصول گردید. تنها ساعاتی پس از وصول دعوت نامه به دفتر دکتر علیرضا بیگی، ایشان اعلام نمودند از چنین مناظراتی استقبال کرده و آمادگی خود را جهت حضور در مناظره اعلام فرمودند.

اما آنچه موجب تاسف و تأثر گردید این بود که در مورخه ۱۴۰۰/۰۲/۱۲ به جای پاسخ رسمی دفتر دکتر پزشکیان، در کمال بهت و ناباوری شاهد کتمان بی شرمانه وصول این دعوت نامه از سوی یکی از صفحات مجازی منتسب به دفتر دکتر پزشکیان و زدن افتراء دروغ به نهاد مقدس بسیج و زیر سوال بردن این نهاد و برخی خبرگزاری های مستقل استان از سوی ریاست دفتر ایشان بودیم که در کمال وقاحت، از وصول چنین دعوتی اظهار بی اطلاعی نموده و بدتر از آن، گردانندگان این صفحه مجازی نیز بسیج را نهاد حاکمیتی نامیده و به دروغ متهم کرده اند. حال ذکر چند نکته لازم و حائز اهمیت است:

ذات و بنیان نهاد مقدس بسیج بسیار فراتر

از آن است که با چنین حرکات سخیفی بخواهند له یا علیه فرد یا جریانی خاص وارد گود شود و آنچه نیت ما بوده، نیل به اهداف والای بسیج و اطاعت از اوامر مقام معظم رهبری در راستای تنویر اذهان عمومی و محرمیت مردم جهت مشارکت حداکثری است. تا بدین جای کار، عملکرد مدعوین مناظره در قبال این دعوت ساده، خبر از میزان اطمینان هر یک از مدعوین و عملکردشان در گذشته و حال می دهد. در یک سوی میدان فردی که با وجود مشغله کاری حتی بدون توجه به ساعت و روز، خاشعانه تنها پس از ساعتی از تحویل نامه به دفتر ایشان، اعلام آمادگی کامل جهت حضور می کند و در طرف دیگر فردی که مسئولین دفتر و مشاوران و اطرافیانش مستاصلانه از هیچ ناجوانمردی دریغ نکرده و با نسبت دروغ بستن به نهاد مقدس بسیج، سعی در فرار از مناظره و پاسخگویی دارد. با در نظر گرفتن سابقه این حرکت ایشان در سال ۹۶ سوال اینجاست که دوباره چرا؟؟

وَالسَّلَامُ عَلَی مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى

رو جالب تر آنجاست که دکتر پزشکیان خود را در قفد و قوارده ریاست جمهوری می بیند و برای پوشیدن ردای ریاست بر جمهور، اعلام کاندیداتوری کرده اند.



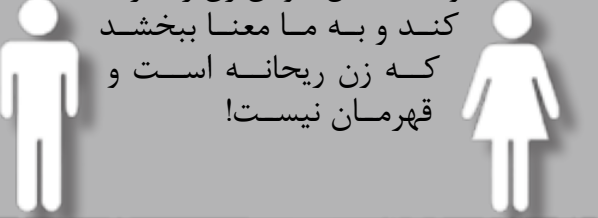


مکتبی که می‌خواهد زنان ایرانی مثل زنان غربی؛ هم کالا شود، هم پشت ویتترین به فروش برسد و به‌تنهایی، بار خانواده و فرزندش را به دوش بکشد...

سه ضرر عمده دارد: (۱) با فطرت زن سازگار نیست. (۲) خیلی زیرپوستی فریاد می‌زند که مردان برتر هستند؛ پس باید شبیه آن‌ها شویم. (۳) بنیان خانواده که بر اساس پیوند این دو جنس متفاوت تشکیل می‌شد، متزلزل شده و فرزندان بی‌بهره از احساسات و عواطف مادرانه را تحویل جامعه می‌دهد.

در حالی که اسلام، جامعه و مناسبات انسانی را مطابق باعاطفه زن تنظیم کرده تا مردانگی مرد در احترام گذاشتن و تکریم زنان معنی پیدا کند و زنانگی هم در سایه ایشار و عشق همسرانه، مادرانه و خواهرانه تفسیر شود. زن در اسلام انسان‌ساز است و با مردان حقوق مساوی اما غیرمشابه و یکنواخت دارد. وقتی انسان عقایدش را به چارچوب خاصی محدود کند، خواه‌ناخواه محتویات آن چارچوب به شکل متفاوتی در نظرش تصویر می‌شود و درنهایت به دید غرض ورزانه و تحریف‌شده منتهی می‌شود؛ کاری که مکتب‌ها با نوع نگاه من و شما می‌کنند!

به‌راستی کدام مکتب توانسته زن را آن‌گونه که هست، تعریف کند؟! کدام مکتب توانسته زن را به مؤثرترین و پرنفوذترین فرد تاریخ تبدیل کند؛ اما گرمای خانواده و حس خوب داشتن فرزند را از او بگیرد؟ به‌راستی چه کسی توانسته گل بودن زن را تعریف کند و به ما معنا ببخشد که زن ریحانه است و قهرمان نیست!



جردن پیترسون در یک گفتگو اشاره می‌کند: فعالین اجتماعی ادعا می‌کنند که تفاوت بین زن و مرد نتیجه‌ای از محیط است! ولی چیزی که علم می‌گوید این است که هرچه میزان برابری بین حقوق زن و مرد بیشتر می‌شود، تفاوت زن و مرد افزایش پیدا می‌کند.

مطالعه مقاله‌های متعدد در مورد فمینیسم منتج شد به اینکه فمینیست‌ها می‌خواهند به بهانه تساوی حقوق، زن‌ها را شبیه به مردان کنند! تلاشی مذبوحانه برخلاف طبیعت که ناشی از برتری ساختگی در ذهن زنانی است که خودشان را کمتر از مردان می‌بینند؛ تا جایی که گمان می‌کنند با اظهار تنفر نسبت به مردان و کوبیدن آن‌ها، به مراد خود رسیده‌اند و هم‌سطح آن‌ها شده‌اند.

فمینیست‌ها مطلب مهمی را در ذهن طرفدارانشان کمرنگ می‌کنند؛ اینکه هیچ مردی درد بارداری، زایمان یا حتی احساس عشق و ایشار زنانه به اطرافیان را تجربه نمی‌کند، پس

واژه برابری جنسیتی توهمی بیش نیست! زنانگی و مردانگی از زیبایی‌های دنیای آدمیزاد است و گذشته از تفاوت‌های جسمی، تفاوت‌های احساسی آن‌ها پیوند زیبایی را بین این دو جنس باعث می‌شود. این مکتب زن را از اینکه جنسیت خودش را با تمام نقاط ضعف و قوتش بپذیرد، به موجودی تبدیل می‌کند که اسم مذکر در صورت‌مسئله ریاضی را توهین به زنان به حساب می‌آورد و مرد را که فلسفه خلقتش تکامل در کنار زن است، عنصر اضافی و به‌دردنخور و متجاوز تلقی می‌کند.

حرکت به سمت مردانگی از سوی زنان حداقل



# تلنگرانه

## مهديه باقري اقدم

### هراس شغلي و نابودي كسب و كارهاي تجاري



بیشتر از یک سال از شیوع ویروس پردردسر کرونا می‌گذرد، با اینکه این ویروس همه‌ی جهان را تحت تأثیر قرار داده و در زمینه‌های مختلف خصوصاً اقتصاد، اثرات منفی زیادی گذاشته است؛ اما در این بین یک سری تأثیرات مثبت هم داشته که بیان آن‌ها خالی از لطف نیست.

همه‌گیر شدن ویروس ناخوانده، موجب شد چرخه‌ی اقتصاد در بسیاری از بخش‌ها از کار بیفتد و به تبع آن، آمار بیکاری افزایش یابد؛ با وجود اینکه در ایام کرونا و قرنطینه رفت‌وآمد نسبت به قبل کاهش پیدا کرده و زندگی‌ها شکل دیگری به خود گرفته است؛ و بسیاری از ارگان‌ها نیز تعطیل شده یا به حالت تعلیق درآمده است؛ اما آمار نشان می‌دهد که در حوزه‌ی تکنولوژی (از برنامه‌نویسی و توسعه وب و اپلیکیشن گرفته تا خدمات فناوری اطلاعات، شبکه و دیجیتال مارکتینگ) فرصت‌های شغلی بسیاری به وجود آمده و به دلیل عدم مراجعه حضوری، اکثر کارها به صورت آنلاین صورت می‌گیرد. دیجیتال مارکتینگ به

دلیل اینکه دیگر مردم نمی‌توانند همانند قبل به راحتی بیرون روند و خریدهای لازم را انجام دهند، توسعه‌ی بسیاری داشته. خرید آنلاین علاوه بر صرفه‌جویی در وقت و هزینه و همچنین حفظ سلامتی، موجب افزایش شفافیت و کاهش واسطه‌گری شده است. کسب‌وکار آنلاین می‌تواند کلیدی باشد تا بسیاری از مشاغل را از نابودی رهایی دهد. در چنین شرایطی، دیجیتال مارکتینگ در دوره کرونا برای تمام مشاغل خود را به و می‌تواند تمام نیازهای خود را به این شکل برطرف کنند. به عنوان مثال: اگر در مشاغل خود نیاز به دیدار حضوری داشته‌ید؛ می‌توانید از برنامه‌های تماس تصویری استفاده کنید. هنوز نمی‌شود به‌طور کامل و دقیق گفت که آیا دیجیتال مارکتینگ در دوره کرونا برای همه‌ی کسب‌وکارها به‌خوبی جواب خواهد داد یا خیر؟! ولی چیزی که مبرهن است، این است که اگر همین کسب‌وکار دیجیتال و آنلاین را استفاده نکنند، کسب‌وکارشان به کل نابود خواهد شد. افرادی که خصوصاً در بخش‌های خصوصی و به‌صورت فردی مشغول به کار بودند می‌توانند به‌طور آنلاین به کسب‌وکارشان ادامه دهند؛ به شرطی که به‌طور درست و اصولی بتوانند راه‌اندازی کنند و خلاقیت به کار بگیرند تا افراد بتوانند به جای خرید حضوری در این شرایط

پرخاطر کرونا، به آن‌ها اعتماد کنند و به‌طور آنلاین خریدهایشان را انجام دهند؛ همچنین در این دوران، برخی دانشجویان و حتی دانش‌آموزان هم با توجه به اینکه دانشگاه و مدرسه نمی‌روند و فراغت بیشتری دارند، کسب‌وکار کوچکی راه انداخته‌اند که از طریق فضای مجازی می‌توانند کارهایشان را به نمایش بگذارند. این خود گام مثبتی است جهت کسب استقلال نیروی جوان.

پس می‌بینیم که تماماً کرونا تأثیر منفی بر روی اقتصاد نداشته و در بخش‌هایی حتی موجب پیشرفت و تحول شده است. این دوران فرصت مناسبی برای ایجاد مشاغل جدید است، مشاغلی که اکثر تمهیدات آن در خانه صورت می‌گیرد و به طریق آنلاین به ثمر می‌نشیند.

**توصیه‌های مهم برای کسب‌وکارها: پذیرش و درک واقعیت، افزایش تحمل ابهام، ایجاد تیم‌های کاری تخصصی، تصمیم‌گیری مبتنی بر تحلیل، شناسایی نقاط اهرمی، اطلاع‌رسانی به هنگام، اقدامات کارآفرینانه و خلاقانه و همدلی با کارکنان. روش‌های فوق راهگشای مشاغل و ستون‌هایی برای پابرجا نگه‌داشتن کسب‌وکار در شرایط بحرانی است.**

# عاشق قفس بنده‌ی دانه!

✍ رسول قناتی

**مردم این کشور زمانی در حدود ۸ سال قبل، انتخابی با دروغ رأی دادند. این انتخاب اشتباه بود با اینکه انتخاب مردم بود.**

کسانی هستند که همواره فریادهای آزادی و استقلال سر می‌دهند؛ اما نوعی وابستگی و سمت‌گرایی را در خود می‌پرورانند؛ به پرنده‌ای می‌مانند که عاشق ماندن در حصار و قفس هستند. مردم این کشور زمانی در حدود ۸ سال قبل، انتخابی با دروغ، انتخابی که از روی صحبت‌ها، داد و فریادها، سرودها و آهنگ‌های سلبریتی و افراد معروف، رأی دادند و افرادی که با دلسوزی تمام به فکر مردم بودند؛ با دروغ‌ها و تهمت‌ها تخریب شدند. این انتخاب اشتباه بود؛ هرچند که انتخاب مردم باشد. دلایل آن‌هم مشهود و قابل‌درک است. وزیری که در برابر دوربین یادش می‌رود که می‌خواهد چه

بگوید و معاونینش به او تقلب می‌رسانند، وزیری که عزت مملکت را پایمال می‌کند، با اجنبی‌ی جماعت می‌خندد و به دوربین‌ها لبخند می‌زند و خون ملت را در شیشه می‌کند و در آخر نیز خود را قهرمان ملی معرفی می‌کند. این‌ها بخشی از دلایلی هستند که نشان می‌دهد

مردم خطا کرده‌اند؛ اما اگر بخواهیم اوج آن را درک کنیم، مربوط به همان تاریخ شفاهی می‌باشد که سخت مخفی بود؛ اما آشکارش، کار دست‌خیلی‌ها داد. این آشکار شدن سخت و گران است. همان فردی که بسیار از دیپلماسی و گفت‌وگو سخت می‌گوید، بسیار فریاد دوستی می‌زند و دست‌دوستی به هر کس و ناکس دراز می‌کند؛ اگر به تاریخ هم نگاه کنیم در زمان پهلوی و قاجار به حمدالله نصف کشور را به یغما برد، همان دیپلماسی که هرات و کوه‌های آرات را به یغما برده بود، همان دیپلماسی که دختر بحرین را تبدیل به عروس کرد! خاک‌برسر آن دیپلماسی که فقط ضرر است برای مردم. فقط تحمیل آنچه که بسیار گران و هزینه‌اش از جیب مردم است؛ نه از کسی که با خنده‌رویی فرش و کادو به وزرا و وکلای دندان‌گرد اجنبی تقدیم می‌کند. دیپلماسی که پشت‌میز است، ذره‌ای اهمیت ندارد نه برای مردم نه برای دنیا؛ اما قسمت دردناک ماجرا در این است که برخی که اصلاً در حد



و حدود این حرف‌ها نیستند! خود را با کسی مقایسه می‌کنند که اصلاً کف پای آن‌ها هم نیستند. با تمام این تفاسیر؛ حرکت شایسته‌ی پدر ملت نیز کار دست‌نقشه‌های شومی که برای جذب دوباره‌ی سلبریتی‌های عاشق غرب، لیبرال‌ها، آواره‌ها و بیچارگانی که می‌خواستند بار دیگر تکرار کنند داد؛ اما به جرئت می‌گویم کور خوانده‌اید! مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود. مقام عظمای ولایت بسیار قهار در این صفحه‌ی بازی عمل کرده است؛ که شما که دم از سیاست می‌زنید فقط مجری هستید و باید باشید و حرف‌اضافه‌ای نباید زده شود؛ و به زبان ساده‌تر بگویم، اصلاً شما کی هستید که بخواهید در مورد سیاست‌ها خارجی و داخلی و از آن بالاتر در مورد محبوب دل‌های مردم، سرداری که به خاطر خنده‌های شما اربا اربا شد و شما به خنده‌هایتان ادامه دادید و حالا شهید

بزرگواری که تمام داشته‌هایش را پای

میدان برای ملت خرج کرد نقد کنید؟! آخر بوی گند افتضاح‌هایی که به بار آورده‌اید هنوز به مشام می‌رسد. چقدر وقاحت نیاز است که بتوانید این‌گونه سخن بگویید؟ جمله آخر این‌که همه باید بیایند. اگر عضوی از این کشور هستیم و بر اشتباهات دیگران خرده می‌گیریم، بایستی انتخاب را خودمان انجام دهیم تا بار دیگر کشور به دست ناهلان و نامردان نیافتد والسلام.

آزادی بیان مهم است؛ ولی آنچه این موضوع را مهم‌تر و وزن‌تر می‌کند آزادی پس از بیان است. انتخاب فرد اصلح نیازمند بصیرت مردم است. انتخابی که آینده مردم را می‌سازد باید اصولی و با نگاهی عاقلانه باشد.





فاطمه بابایی



## تیر و ترکش خیانت و خشونت که برای چمران سفیر بهشت بود؛ سرش را شکافت و چشمش را به لقاء حق روشن کرد.

او را نماینده‌ی آمریکایی مجلس می‌خواندند و خواستار اعدام و اخراج حتی آبدارچیان ارتش ملی بودند؛ و چقدر احمقانه و خائنه بود و چقدر بوی نفسانیت از آن می‌آمد. نفسانیتی که مهندس مخترع و نقاش ما با مبارزات چریکی و نمازهای شب و تمایلات عارفانه‌اش از آن دور بود و معاشرت با این افراد خودخواه او را کلافه می‌کرد. آن قدر که اشک از چشم‌هایش جاری می‌شد و می‌گفت طلب مرگ از خدا کرده و می‌رود که بازنگردد. چمران رفت و برنگشت... هرچند که پس از او عده‌ی زیادی سعی در مصادره‌ی شخصیتش و پاک‌سازی تاریخ از نامردمی‌ها و کارشکنی‌هایشان در برابر شهید کردند؛ اما نور درخشان او و تمامی شهیدان ایستاده بر دروازه‌ی تاریخ نگران، رقم زندگان آن‌اند؛ و تا ابد راهنمای ما خواهند بود؛ تا هرگز از سوراخ دکترهای قلبی نیش نخوریم و سراغ مهندسین آینده را از سیره‌ی معمار و نگهبان انقلاب بگیریم.

تأثیرگذارترین انسان‌های هر انقلابی به نظر من، انسان‌های دو وجهی هستند. این انسان‌ها خود به دو دسته‌ی متقابل و متضاد تقسیم می‌شوند؛ آن‌هایی که دو وجهی بودنشان به نفاق می‌انجامد و آن‌هایی که این دو گونه دیدنشان از آنها، انسانی متعادل و حق‌گرا و به‌واقع زیاده‌انسان می‌سازد. دسته‌ی دوم برخلاف دسته‌ی اول که از مشقت هر کاری فراری‌اند و ترجیح می‌دهند فقط سهمشان را از سفره‌ی انقلاب بردارند؛ با آغوش باز به استقبال عاشقانه‌ی جنگ‌هایی می‌روند که مرد را از نامرد غربال می‌کند.

دکتر چمران، از دسته‌ی دوم بود. او یک نابغه‌ی فنی با امکان تحصیل و تدریس در مرکز رفاه جهان و در کنار خانواده‌ی چهارنفره‌اش بود؛ که مبارزه در شن‌های گرم بیابان‌های مصر و لبنان را به شنا در آب استخر خانگی‌اش در ایالات متحده ترجیح می‌داد. کسی که پیش‌تر از خیلی‌هایی که می‌شناسیم انقلابی بود و در این راه، مرز نمی‌شناخت. او سال‌ها قبل از تجربه‌های پله‌پله‌ی متظاهران‌ی عده‌ای، در بیابان‌های سرزمین‌های اسلامی، مشق جهاد و شهادت‌طلبی می‌کرد؛ و در بنیان‌گذاری اصیل‌ترین جریان‌ات مبارزاتی اسلامی، نقشی تاریخی و بی‌کتمان داشت. کسی که برائتر پالودگی و تخصصش هم منتخب مهدی بازرگان در دولت موقت بود و هم منسوب خمینی کبیر (ره) در وزارت دفاع.

دکتر چمران از جور جاهلان و خائنان در جریان تصفیه ارتش به تنگ آمده بود و با چنگ و دندان ارتش کشور را از انحلال حفظ کرده بود. در مقابل کسانی بودند که

”شخصیت شهید چمران، تیپ شخصیت متفکر و تفکر گرا می‌باشد. افراد این تیپ شخصیتی، اهل تلاش و کوشش‌اند، ارائه‌دهنده راهکارهای فرا عادی، جستجوگر و کاوشگرند، اهل تعاون‌اند، واکنش مثبت نسبت به برنامه‌های سازنده داشته و از هوش رهبری چریکی و نامنظمی برخوردارند.“

“

# تعلیم و تربیت از منکرش دین مبین اسلام

توحید فتحی سراسکانرود

یک نگاه

اجمالی به آیات قرآن، اهتمام

فوق العاده اسلام را نسبت به این امر مهم نشان می‌دهد؛ خداوند در سوره طلاق، جهان را به منزله دانشگاهی معرفی می‌کند که تمام مخلوقاتش؛ به‌منظور علم و آگاهی هر چه بیشتر انسان‌ها آفریده شده‌است و هدف این بوده که در اسرار این پدیده‌ها بیندیشند و به علم و قدرت پروردگار آشنا شوند؛ و به تعبیر دیگر، هدف از کل جهان آفرینش، علم و دانش بوده است و می‌فرماید: «خداوند کسی است که آسمان‌های هفت‌گانه را آفرید و از زمین نیز همانند آن را، فرمان او پیوسته در میان آسمان‌ها و زمین‌ها نازل می‌شود او دائماً آن‌ها را تحت ربوبیت خود قرار داده تا بدانید خداوند بر همه چیز توانا است و علم او به همه چیز احاطه دارد». در حقیقت این نکته جالبی است که هم آفرینش آسمان‌ها و زمین‌ها و هم تدبیر دائمی آن‌ها، وسیله‌ای است برای تحریک حس کنجکاو بشر برای اندیشیدن بیشتر و آگاهی بر اسرار جهان؛ و در نتیجه آگاهی بر علم و قدرت پروردگار؛ پس همه این‌ها مقدمه‌ای است برای تربیت نفوس انسانی و قرب الی الله؛ و نیز آگاهی بر این امر که احکام شریعت، همچون احکام خلقت، روی حساب دقیق است؛ پس آفرینش جهان به خاطر علم است. در سوره «بقره» نیز به مسئله هدف بعثت پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه و آله) اشاره می‌کند و آن را تعلیم و تربیت در سایه تلاوت آیات الهی می‌شمرد و می‌فرماید: «کَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ». (همان‌گونه که برای هدایت شما پیامبری از خودتان در میان شما فرستادیم؛ تا آیات ما را بر شما بخواند؛ و شما را پاکیزه سازد و به شما کتاب و حکمت بیاموزد؛ و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد.) در اینجا

تنها بر تعلیم کتاب و حکمت

به‌عنوان هدف بعثت

پیامبر اسلام

(صلی‌الله علیه و

آله) تکیه نشده

است؛ بلکه به

تعلیم آن اموری

که بدون

نزول وحی

امکان

دست‌رسی

به آن نبوده است

نیز اشاره شده‌است. روی جمله «يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ». به این ترتیب هم هدف آفرینش جهان، پیشرفت علم و دانش بوده است و هم هدف بعثت پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه و آله) گسترش علم و حکمت و پرورش نفوس می‌باشد.

از آیه ۱۲۹ سوره «بقره» به‌خوبی استفاده می‌شود؛ که این هدف بزرگ و متعالی یعنی تعلیم و تربیت و آموزش حکمت، در دعای ابراهیم خلیل (علیه‌السلام) برای این امت آمده است؛ آنجا که از خداوند تقاضا می‌کند و می‌گوید: «رَبَّنَا وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ». (پروردگارا! پیامبری در میان آن‌ها از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و آن‌ها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی او بر این کار قادری.) و این نشان می‌دهد که این دو هدف (یعنی تعلیم و تربیت) از اهداف شناخته‌شده در میان امت‌های پیشین نیز بوده است. قابل توجه اینکه در این آیه و بعضی دیگر از آیاتی که در این زمینه وارد شده هم سخن از تعلیم کتاب و تزکیه به میان آمده و هم آموزش حکمت. در اینجا منظور از «حکمت» چیست؟ تفسیرهای مختلفی ذکر شده‌است. نخست اینکه منظور معارف دینی و آشنایی با احکام آن است؛ و دیگر اینکه منظور سنت پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) است؛ زیرا در کنار کتاب الله ذکر شده، بعضی نیز گفته‌اند منظور علائم و نشانه‌هایی است که حق را از باطل جدا می‌سازد و گاه گفته‌شده «حکمت» به معنی آیات متشابه است که پیامبر باید بالخصوص آن را تعلیم دهد. ولی با توجه به ریشه معنوی حکمت که به معنی عامل بازدارنده از

جهل و خطا و قرار دادن هر چیز در موضوع مناسب آن است؛ به نظر می‌رسد که منظور از حکمت در اینجا، آگاهی از اسرار و علل و نتایج احکام و نیز اسرار آفرینش جهان و انسان و سرنوشت و سرانجام کار او است.





# نگاه هستی شناسانه

محمد نیک سرشت

نگرش هستی شناسانه به لفظ معلم و لزوم توجه به آن

و قتی

می گوییم

«معلم» دقیقاً نمی دانیم

منظورمان چیست؟ و یا کیست؟

و جالب تر اینکه بدانیم نیست یا هست،

تنها برایش تشکیل ویژگی می دهیم. با شمردن

ویژگی های یک چیز نمی توانیم موجودیت آن را به

شکل وجودی اثبات کنیم. می توانیم موجودیت دهیم؛

اما هرگز نمی توانیم وجود داشتش را استدلال کنیم،

البته اگر مطمئن باشیم که هست یا نیست. در پی

هر تفسیری از معلم این گزاره وجود دارد که «زید

معلم است.» یا «من معلم هستم.» این گزاره ها از

حیث اینکه مصداقی ندارند؛ باید به شکل تصدیقی و

یا ایجابی باشند. بدهت هر امر ایجاب خود آن امر

است. «معلم» مصداقی برای وجود داشتن یا نداشتن

ندارد. ما فقط سلسله ویژگی هایی از معلم داریم که

با تطابق آن ها مصداق را پیدا می کنیم. بی آنکه

بدانیم از کجاست و چرا هست؟! بستن توانایی تدریس

به عنوان «فعل» برای توصیف فاعل، فاعل را علاوه

بر محدود ساختن در دایره ی فعلی او را تبدیل به

«شیء» یا «ابژه» می کند. درحالی که اگر شما یک

بازی را برای کودک طراحی کنید که در آن تدریس

صورت بگیرد؛ می توانیم آن ابزار را «معلم» بنامیم؟

به نظر می رسد می توان نامید، چون عالمیت ما با

تغییر عاملیت ما تغییر کرده است. اکنون او خود

شناختی از خود ندارد و فقط در بستر قواعدی که ویژگی ها را به او می دهد تعریف می شود. قواعدی که برای تسهیل کار تمدن استفاده می شود. وقتی «هیوم» گزاره های پیشینی را همگی تحلیلی می داند به نظر نمی رسد ما بتوانیم شناخت درستی از «من» و «معلم» در گزاره ی «من معلم هستم.» بیابیم. چون «معلم بودن» هرگز به شکل تجربی اتفاق نمی افتد. نمی خواهیم از این دست حرف ها بزنم که «معلم بودن» یک استعداد خدادادی است. نه! منظور از تجربی نبودن این است که ما معلمی را تجربه نمی کنیم؛ بلکه ویژگی های آن را که برایش تعریف کردیم تجربه می کنیم و این مشکل اصلی ما از این درک گزاره هاست. ما به زبان کمتر اهمیت می دهیم. زبان را چیزی در حدود ابزار یا یک شیء اضافی لازم می دانیم؛ درحالی که زبان لانه ی وجود است و این تحلیل وجود شناختی معلم است که می تواند ما را در معرفت دوباره و ترسیم نظام معرفت شناسی آیا معلم واقعاً وجود دارد؟ مصداقش چیست؟ و چگونه باید خودش را تعریف کرد؟ قرار می دهد.

“معلمی که خود را انتقال دهنده اطلاعات می داند، متفاوت از معلمی که خود را تسهیل کننده فرایند یادگیری یادگیرندگان می داند، عمل خواهد کرد. معلمی که واقع گرای هستی شناسی است؛ فرض می کند واقعیت زیربنایی وجود دارد که برای همه افراد مشترک است. به لحاظ آموزشی، این تفکر به این معنا است که تمامی یادگیرندگان صرف نظر از شرایط، زمینه ها و پیشرفت های فردی، نوع یکسانی از آموزش را در زمان یکسانی دریافت می کنند. از سوی دیگر، یک نسبی گرای هستی شناسی بر این باور است که افراد مختلف واقعیت های متفاوتی دارند و این واقعیت ها در زمینه های اجتماعی ساخته می شود. به لحاظ آموزشی؛ معلم، شرکا و تسهیل کنندگانی هستند که تلاش می کنند نیازهای یادگیرندگان را مرتفع سازند و بالطبع روش های تدریس نیز کمتر معلم محور باشد.”



# کامپیوترهای کوانتومی، شگفتی بزرگ قرن ۲۱

زهرا عابدی ابللو

در این قسمت سعی داریم شما را با یکی از شگفتی‌های قرن ۲۱ یعنی کامپیوترهای کوانتومی آشنا کنیم. امروزه شرکت‌های بزرگی چون AMD و اپل پس از تقلا بسیار به تکنولوژی ساخت تراشه‌های ۷ نانومتری دست پیدا کرده‌اند.

” بیت به معنای رقم در دستگاه اعداد دودویی است، همان‌طور که در عددنویسی در مبنای چهار، ارقام به صورت ۰، ۱، ۲، ۳ به کار می‌رود، به هریک از این ارقام یک بیت می‌گویند. مثلاً عددی مانند ۱۱۰ در مبنای دو (یعنی ۰، ۱)، سه رقم یا سه بیت دارد.“

همان‌طور که می‌دانید یک بیت کلاسیک در هر لحظه تنها می‌تواند یکی از دو مقدار ۰ و ۱ را داشته باشد؛ اما یک کیوبیت در هر لحظه هم می‌تواند ۰ باشد و هم ۱؛ یا حتی هر چیز دیگری بین ۰ و ۱! در واقع یک کیوبیت در حالت «برهم‌نهی» (Superposition) از حالت‌های پایه ۰ و ۱ است. برای مشخص شدن حالت کیوبیت باید آن را اندازه‌گیری کرد، در این صورت حالت برهم‌نهی فرو ریخته و کیوبیت با یک احتمالی در ۰ و ۱ ظاهر می‌شود. یک کامپیوتر کوانتومی به هنگام پردازش کیوبیت‌ها، می‌تواند اطلاعات را به صورت هم‌زمان پردازش کند. در واقع برخلاف کامپیوترهای معمولی که عمل پردازش و محاسبات را به‌طور «سری» (Serial) انجام می‌دهند، کامپیوترهای کوانتومی می‌توانند محاسبات را به صورت «موازی» (Parallel) انجام دهند. این امر سرعت بسیار زیادی را در انجام محاسبات، نسبت به یک کامپیوتر معمولی به ارمغان می‌آورد. البته ناگفته نماند که با این همه شگفتی‌های کامپیوتر کوانتومی، شاید بتوان با قطعیت گفت که هیچ‌گاه جایگزین کامپیوتر معمولی نمی‌شود؛ زیرا از آنجایی که تعریف کیوبیت‌ها شرایط خاصی (مثل خلأ بالا و یا دمای خیلی پایین) را طلب می‌کند، دور از انتظار است که در آینده، تلفن همراه و یا کامپیوتر خانگی شما حاوی تراشه‌ای کوانتومی باشد.

ویژگی‌های اصلی کامپیوترهای معمولی نظیر بیت، الگوریتم، گیت‌های منطقی و ... به‌طور مشابه در کامپیوترهای کوانتومی نیز وجود دارند. اصلی‌ترین جزء یک کامپیوتر کوانتومی، در واقع واحد پردازش اطلاعات، بیت کوانتومی یا کیوبیت است. عملکرد یک کیوبیت شاید کمی مبهم به نظر آید!

در ساختارهای زیر ۱۰ نانومتر، ابعاد ترانزیستورها به ابعاد اتمی نزدیک شده که در این صورت قوانین فیزیک کوانتومی نمود بیشتری پیدا کرده و قواعد بازی را عوض می‌کنند. به‌طور مثال یک الکترون می‌تواند از یک ترانزیستور به ترانزیستور دیگر تونل‌زنی انجام دهد؛ که این پدیده برای یک تراشه محاسباتی، امر مطلوبی نیست.



# قرص‌های هوشمند، پیت‌رفتی دیگر در زمینه یزتی

فاطمه السادات سیدزاد

از چله بیماری‌هایی که می‌توان به واسطه  
این قرص‌ها و پاکسول‌های هوشمند بررسی  
کرد، بیماری‌های مختلف روده، مانند سرطان  
روده، بیماری‌های التهابی روده، سندروم روده  
تحریک‌پذیر و... می‌باشد.

اطلاعاتی را درباره غذا، محیط و غیره به اپلیکیشن  
ویژه‌ای در گوشی بیمار ارسال می‌کند. همچنین از این  
کپسول‌ها می‌توان برای تشخیص بیماری‌هایی نظیر  
سندرم روده تحریک‌پذیر، بیماری‌های التهابی روده و  
حتی موارد کشنده از قبیل سرطان روده استفاده کرد.  
محققان با آزمایش کپسول روی ۲۶ داوطلب، کارایی  
و ایمنی آن را ثابت کرده‌اند. نوعی دیگر از قرص‌های  
هوشمند که به‌تازگی از آن‌ها رونمایی شده است،  
قرصی تجزیه‌پذیر است که ویژگی منحصر به فرد  
آن، بی‌نیاز کردن بیماران از مصرف دارو در ساعاتی  
مشخص است. این قرص می‌تواند در زمان مشخصی  
که برایش تعیین می‌شود، داروی لازم را در معده فرد  
آزاد کند این قرص هوشمند به علت کاربرد زیادی  
که برای افرادی با مشکلات مغزی و انواع فراموشی‌ها  
دارد، بسیار موردتوجه قرار گرفته؛ به‌گونه‌ای که این  
قرص‌ها می‌توانند به متخصصان پزشکی کمک  
کنند تا بر مصرف داروی افراد سالخورده نظارت  
داشته باشند. به همین خاطر است که قرص‌های  
هوشمند نه تنها به‌عنوان دارو استفاده می‌شوند  
بلکه آن‌ها را به‌عنوان راهی برای ردیابی سلامت  
هم به کار می‌برند. همچنین قرص‌های هوشمندی  
برای تشخیص بیماری‌های داخلی در حال تولید  
هست. محققان قرصی حاوی حسگر ایجاد کرده‌اند  
که می‌تواند به‌عنوان مثال خونریزی روده را برطرف  
کند. باهوش‌ترین قرص‌های هوشمند، قرصی است  
که حاوی یک دوربین است، دوربینی قابل بلع که  
می‌تواند داخل روده را از بالا به پایین فیلم‌برداری  
کند. این قرص پس از بلعیده شدن، هنگام عبور از  
روده بیمار، عکس می‌گیرد و داده‌ها توسط یک پچ  
پوشیدنی به‌صورت بی‌سیم دریافت می‌شود. این  
قرص به پزشکان این امکان را می‌دهد قسمت‌هایی از  
روده را که نمی‌توانند با آندوسکوپی و کولونوسکوپی  
سنتی مشاهده کنند، به راحتی از طریق تصاویر  
فرستاده‌شده‌ی قرص هوشمند مشاهده کنند،  
با این تفاوت که دیگر این کار دردناک یا  
ناراحت‌کننده نیست و بیماران نیازی به گذراندن  
زمان در مطب پزشک یا بیمارستان ندارند. به‌هرحال  
این امیدواری وجود دارد که به کمک این فناوری‌های  
جدید هزینه‌های اضافی مربوط به دستورالعمل‌های  
بهداشتی کاسته شود و روز به‌روز شاهد پیشرفت‌های  
بزرگ و چشمگیر در همه‌ی زمینه‌ها به‌خصوص در  
زمینه‌ی پزشکی باشیم.

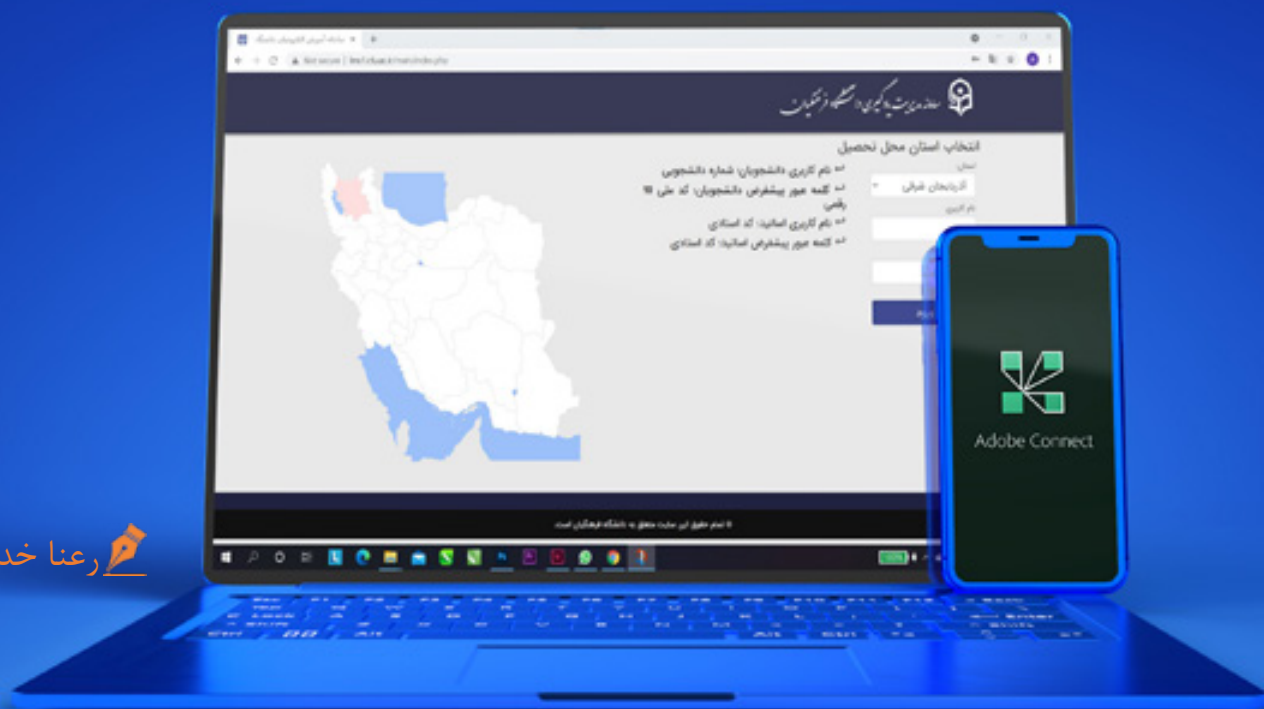
دنیای درون بدن انسان، دنیایی شگفت‌انگیز است که  
بشر همچنان نتوانسته به تمام فعل و انفعالات آن  
پی ببرد. در عصری که از موبایل و ماشین گرفته تا  
خانه‌ها در حال هوشمند شدن هستند، قرص‌ها هم  
برای درمان این بدن پیچیده به این قافله ملحق  
می‌شوند. دیگر نباید با شنیدن جمله‌هایی مثل:  
امیدوارم از خوردن فناوری لذت ببرید! چندان تعجب  
کنیم. چراکه گاهی با خوردن یک قرص هوشمند  
که از حسگرهای مختلف و سایر اجزا تشکیل شده،  
درواقع یک فناوری بلعیده می‌شود اما اثر این  
فناوری این بار به‌صورت درمان بیماری‌ها و یا  
کنترل سلامت نمایان می‌شود.  
قرص‌های هوشمند، اولین  
بار در ملبورن استرالیا مورد  
بررسی و آزمایش قرار گرفتند.  
این قرص‌ها به موبایل  
متصل می‌شوند و داده‌های  
مختلفی را از دستگاه‌های  
مختلف بدن جمع‌آوری  
می‌کنند. کپسول‌های  
یادشده دارای یک غشای  
نفوذپذیر به گاز بوده و از  
حسگرهای اندازه‌گیری  
گاز و درجه حرارت،  
باتری، آنتن، فرستنده  
وای فای و میکرو  
کنترلر بهره  
می‌برند.

فرد بیمار با استفاده  
از کپسول هوشمند،  
پس از آن که کپسول به سیستم  
و یا تلفن همراهش متصل  
می‌شود، آن را وارد بدن خود می‌کند.  
پس از آن، این کپسول به کمک  
قابلیت خود، به جمع‌آوری اطلاعات  
گوناگون از بخش‌های مختلف بدن و  
شرایط تغذیه‌ای فرد، می‌پردازد.  
این اطلاعات به‌وسیله نرم‌افزاری  
که بر روی تلفن همراه نصب  
می‌شود، به دست  
فرد می‌رسد.

کپسول‌های  
هوشمند تولید شده

بزرگ‌تر از یک قرص ویتامین نیستند، اما می‌توانند  
اطلاعات بسیار ارزشمندی در مورد نحوه کارکرد  
دستگاه‌های مختلف بدن در اختیار دانشمندان قرار  
بدهند. این قرص‌ها انواعی دارند. نوعی از این  
کپسول‌های هوشمند پس از بلعیده شدن توسط  
بیمار، وارد روده شده و با تجزیه و تحلیل گازها

رعنا خدادادی



## کلاس آنلاین یا آفلاین، مسئله این است!

بخوانیم، دیگر چرا استاد زحمت می‌کشد؟! یکی دیگر گفت حالا فردا با صدای ضبط‌شده استاد چه کنیم؟ و... که با شیطنت یکی از بچه‌ها و یاد کردن از جزوه قابل سرچ، خنده‌های شیطانی شروع می‌شود. در این احوال بودم که با گفتن خدائگه‌دار استاد، زودی به کلاس برگشتم. یک خسته نباشید جانانه نوشتم و کلاس را ترک کردم؛ اما فکرم هنوز درگیر حرف‌های دانشجویهاست. نکند مشکل از ماست؟! وقتی سر کلاس، استاد به فکر صفحات خوانده‌شده جزوه است و ما هم ساکت هستیم و کلاس منفعلانه پیش می‌رود؛ و یا کلاس سر صبحی که شیرینی خواب صبح را ندارد و با گفتن جمله «سلامت باد کسی را که سر این ساعت کلاس برداشت!» به خواب می‌رویم؛ یا وقتی نمی‌توانیم ۲ ساعت آنلاین را تحمل کنیم و مجبور می‌شویم گوشی را بگذاریم کنار و به بقیه کارهایمان برسیم!

اما وقتی به یاد این می‌افتم که قرار است بعد چندترم در کلاس درس حضورداشته باشم، نمی‌توانم با این جواب‌ها خودم را قانع کنم. کاش به جای ۱۲ جلسه آنلاین، نوشته بود اطمینان پیدا کنید که دانشجویان درس را فراگرفته‌اند، البته درسی که کمک‌حال آنان در آینده باشد! خالی از لطف نیست یاد کردن از اساتیدی که با جان و دل زحمت می‌کشند و با واقف بودن به شرایط موجود، بازهم به یادگیری معنا می‌بخشند. اصلاً مشکل از ما و اساتید یا برنامه‌ریزی‌های نشده، نیست؛ بلکه همه‌چیز تقصیر کروناست و بس. در آخر از هرچه بگذریم سخن فرجه خوش‌تر است.

رسیدیم به آخر ترم با کلی تکلیف و امتحان میان‌ترم و کلاس‌های آنلاین! آیا رحم بر دانشجویان واجب نیست؟!

با نزدیک شدن به امتحانات آخر ترم، بحث اینکه کلاس آنلاین باشد یا آفلاین، داغ و داغ‌تر می‌شود. با اولین پیام یکی از دانشجویان که: «استاد! میشه کلاسمون آفلاین باشه؟» استارت کار زده می‌شود و بقیه بچه‌ها با شعار حمایت می‌کنیم (جز دوستان حال الخنثی!) شروع به ارسال پیام می‌کنند؛ اما استاد با رو کردن متنی از بخشنامه که گفته‌شده حداقل باید ۱۲ جلسه‌ی آنلاین برگزار شود، مهر سکوت بر دهانمان زده و ما را راهی کلاس می‌کند. اصلاً مگر یادگیری مهم‌تر از این عدد و رقم نیست؟! به خود سامانه باشد به همان ۴ یا ۵ جلسه آنلاین رضایت می‌دهد، خصوصاً با این ورژن جدیدش! مثلاً شماره‌گذاری افراد به تعداد ورود و خروج از سامانه. من خودم موقعی که استاد گفتند: خدادادی ۸ حاضر! به این امتیازش پی بردم که لااقل اوضاع وخیم دارد خودش را نشان می‌دهد؛ و در این بین دانشجوی و استاد نمی‌شناسد؛ استادی داشتیم که نیم ساعت طول کشیده تا سامانه با ایشان سازگار شود و بتوانیم کلاسمان را شروع کنیم! سرعت اینترنت هم که شرایط را نور علی نور کرده؛ حالا گاهی به ضرر طرفین و گاهی به نفع ما! با قطع و وصلی صدای استاد، سروصدای حاضرین و ناظرین در کلاس بلند می‌شود. پیامی به سرعت نور فرستاده می‌شود: «استاد ما چیزی متوجه نمیشیم!» اما انگار کاربرد قسمت چت‌ها فقط سلام، خسته نباشید و حاضرم، هست؛ و بقیه حرف‌ها اصلاً به چشم نمی‌آید. پیام‌های پشت سرهم واتساپ و سوسه‌ام می‌کند که سری به آنجا بزنیم. یکی از بچه‌های ته لیست کلاسی نوشته بود: «اصلاً با این اوضاع، کلاس آنلاین و آفلاین چه فرقی باهم دارند؟!» و پیام بقیه حکم تأییدی بود بر این پیام.

یکی گفت ما خودمان هم می‌توانیم از روی جزوه



DATE

# امتحان مجازی خوب یا بد؟!

محمد رضا حسینی

ای متقلبان فرهنگیان!!  
به هوش باشید، لحظات  
ملکوتی این‌بوک نزدیک  
است.

علیرضا القلم

منابع، بایستی مفهوم مطلب را درک کرده و بتواند با استنباط و استنتاج، به سؤالات پاسخ بدهد. در اینجا دانش آموزان و دانشجویان مجبور هستند دروس را به صورت مفهومی مطالعه کنند تا به قول مشاورین، میزان یادگیری آن‌ها به حد تسلط برسد طوری که بتوانند آن درس را تدریس کنند. در این صورت می‌توان گفت که ارزیابی از آن‌ها تا حد زیادی منطقی و صحیح صورت گرفته است. باین حال بازهم امکان تقلب و تبادل پاسخ سؤالات وجود دارد. به طور کلی فرآیند آموزش و امتحان در فضای مجازی با شرایط فعلی نمی‌تواند جایگزین کاملی برای شرایط حضوری باشد چراکه علاوه بر پایین بودن کیفیت و امکانات آن، پویایی و امکان کنشگری را از یادگیرندگان می‌گیرد مگر اینکه با کارشناسی و بررسی شرایطی فراهم بیاید که بتواند تا حد زیادی از خلأهای آموزش مجازی نسبت به حضوری را جبران کند که آن هم طبیعتاً فرصت زیاد و کسب تجربه در پی برگزاری کلاس و امتحانات مجازی را می‌طلبد. امیدوارم هرچه سریع‌تر شاهد برطرف شدن همه‌گیری ویروس منحوس از کشور عزیزمان باشیم تا امکان حضور در مدارس و دانشگاه‌ها فراهم شود و مایقی خاطرات دانش‌آموزی و دانشجویی در شرایط حضوری و در کنار دوستان رقم بخورد!

در پی به وجود آمدن بحران همه‌گیری ویروس کرونا و تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها، فرآیند آموزشی کشور از شرایط حضوری به مجازی تغییر یافت که همواره مشکلاتی را از ابتدا به همراه داشته که نشان‌دهنده این موضوع است که حتی در بهترین شرایط نمی‌تواند جایگزین ۱۰۰ درصدی آموزش حضوری و رو در روی کلاسی باشد. امتحانات نیز به تبع فرآیند آموزشی در فضای مجازی آن‌هم به صورت کارشناسی نشده برگزار می‌شود که شاهد عدم تلاش و مطالعه برای شرکت در امتحانات، توسط دانش آموزان و دانشجویان هستیم. چراکه منابع در اختیار آن‌ها بوده و در موقع امتحان بدون مطالعه می‌توانند با یک جستجوی کوچک، جواب سؤالات امتحانی را بیابند و طبیعتاً هدف اصلی امتحانات که ارزیابی میزان یادگیری یادگیرندگان است محقق نخواهد شد. عادت به تقلب در دانش آموزان و دانشجویان حتی در بین نمرات ممتاز، می‌تواند عادت را در آنان ایجاد کند که حتی بعد از بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها، رغبتی به مطالعه و پیگیری یادگیری دروس نداشته باشند و مبنای آن‌ها برای قبولی در امتحانات تقلب گروهی و فردی باشد؛ اما در این میان اساتید و معلمان هستند که سؤالات مفهومی و هدفمند را طرح نموده و روش کتاب‌باز یا آپن‌بوک را برای امتحانات خود برمیگزینند که منطقی‌ترین راه برای برگزاری امتحانات در شرایط فعلی است. در این روش فرد مورد ارزیابی با در دست داشتن

امتحانات ابزاری است که شخص آموزش‌دهنده در انتهای هر ترم آموزشی می‌تواند از میزان و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان و دانشجویان خود مطلع گردد. تغییر رویه برگزاری امتحانات از حضوری به مجازی، فرایندهای خوب، مؤثر و همچنین بدی را به همراه داشته اما با توجه به اینکه به طور عمده به صورت کارشناسی نشده برگزار می‌گردد هدف اصلی استاد یا معلم که همان ارزیابی فعالیت آموزشی خود در طول ترم آموزشی می‌باشد را تا حد زیادی محقق نمی‌سازد.



# شاد در پوته نقد

فائزه آقائی



چون آیفون مغرور، به هر برنامه‌ای که از راه برسد اجازه ورود نمی‌دهد، شب شاد هم به ios محل نمی‌دهد! حتی در نسخه تحت وب هم کند کار می‌کند! البته ناگفته نماند اگر گوشی همراه با سیستم عامل اندروید دارید باید اندروید بروزی باشد که شاد ما به‌طور لاکچری کار کند... و این موضوع یعنی تحمیل هزینه زیادی به خانواده‌ها! -گفته‌شده با دسترسی‌های زیادی که برای خود درگوشی‌های هوشمند ایجاد می‌کند، حریم خصوصی را نقض می‌کند!!

شاد با کندی و قطع و وصلی، بافتخار اثبات کرده از سایر پیام‌رسان‌ها ضعیف‌تر است. خواهان رفت و آمد و ورود و خروج چندباره برای دریافت پیام‌های جدید است؛ به‌خصوص از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۳ بعدازظهر، حداقل ۱۵ تا ۲۰ دقیقه برای ارسال و بارگیری فیلم و عکس آموزشی نیاز دارد. -برخی مواقع در گروه‌هایی که تشکیل می‌شود ناخواسته و بدون اینکه مدیر گروه بخواهد و انجام داده باشد، اعضای غیراز آن کلاس، به گروه اضافه می‌شوند و به‌صراحت می‌گویند اصلاً دلم خواست!

-دروس تخصصی هنرستان‌ها توسط چند هنرآموز تدریس می‌شود. باوجود تشکیل کلاس عملی علاوه بر کلاس نظری در شاد، آشفتگی عجیبی به وجود می‌آید. به‌هرحال شاد با تمام محدودیت‌ها و نواقصی که دارد در این مدت، دست راست معلمان دلسوزی شده که تمام تلاش خود را برای آموزش بی‌وقفه به کار می‌گیرند؛ اما مسئولان و برنامه ریزان! العهد من الوفا... امیدوارم یا علی بگویید و هرچه سریع‌تر بتوانید با رفع نواقص، فضای امن آموزشی را در این ایام طاقت‌فرسای کرونایی فراهم کنید.

اواخر سال ۹۸، قدم رنجه کرونا مسبب خیلی اتفاق‌ها شد! از جمله اینکه درب مدارس تخته کوب شد و آموزش و پرورش عزیزمان با بزرگ‌ترین چالشی که تاکنون سابقه نداشت روبه‌رو گشت! تعاملی نبودن آموزش‌های تلویزیونی و محدودیت فرصت این نوع آموزش، باعث تولد «شاد» شد! شاد، پیام‌رسانی مختص دانش آموزان است؛ و از وقتی وارد عرصه شده اعتراضات فراوانی را به جان خریده، مسئولین نیز پیوسته می‌گویند از کاه کوه نسازید و وعده‌هایی برای اصلاح شاد می‌دهند! در این ایام، شماری

از دانش‌آموزانی که هوش دارند اما گوشی هوشمندی ندارند، به‌نوعی از تعلیم جامانده‌اند، عده‌ای دیگر نیز به دانش آموزان آنلاین معروف هستند که بهترین دوران عمر خود را بالاجبار در مجازی به سر می‌برند و از هزینه‌های گزاف بسته‌های اینترنتی و سرعت پایین اینترنت تا تهیه و ارسال ویس و فیلم برای ارائه تکالیف به تنگ آمده‌اند....

حالا، به چند مورد از عیوب و سوژه‌های نامتناهی شاد که بارها کاربران معترض شدند، پردازیم:

-خیلی تاب و توان شلوغی جمعیت را ندارد! طوری که ۷۷ تا ۸۰ درصد مدارس در ذیل شبکه شاد فعالیت می‌کنند و برای ۲۰ درصد دیگر مدارس و مناطق محروم، مثل همیشه وعده تدبیر و برنامه‌ریزی دیگری داده شده است... -همان‌طور که همه نیازهایی دارند؛ شاد هم نیاز به پهنای باند وسیع برای جابجایی داده‌ها داشت و الآن هم عملاً با زیرساخت اینترنتی کشور به‌خصوص در استان‌های دوردست و کمتر برخوردار، ناهمگون است!





# قانون کیپی رایت

محمدرحیم غابری

می‌دهد و مردم ترجیح می‌دهند پولش را بپردازند؛ اما این وضع در مورد محصولات کشورهای خارجی متفاوت است و ما را مجبور می‌کند تا از آثار اورجینال آن‌ها استفاده کنیم. در استفاده از نرم‌افزارهای کرک شده و غیر اورجینال، ما باید دو جنبه را مورد بررسی قرار دهیم؛ یکی از نظر اخلاقی و وجدان، یکی از نظر اقتصادی.

خب وقتی ما بدون اینکه پولی بپردازیم از دست‌رنج کسی که آن را با هدف کسب سود ساخته، استفاده می‌کنیم، یعنی اخلاق را زیر پا می‌گذاریم؛ اما از یک طرف

همین خارجی‌ها بی‌هیچ

دلیل موجهی ما را تحریم

می‌کنند، کلی از اموال

کشور ما را مصادره و

فشار حداکثری روی

اقتصاد کشور اعمال

می‌کنند؛ تا اقتصاد

کشور ما را تضعیف

کنند. تحریم‌هایی که

آمریکا علیه ایران وضع

کرده؛ این شرکت‌ها را

از ارائه سرویس به ایران

منع می‌کند. پس اگر حاضر

به پرداخت پولش به دلار هم

باشید؛ باز نمی‌توانید استفاده کنید،

این یعنی ظلم بر ما. با این اوصاف به نفع

کشور است که در معاهده‌های بین‌المللی

کیپی‌رایت (مثل برن) عضو نشود. چون

در این صورت هم ارز از کشور خارج

می‌شود و هم اینکه زمینه برای تحریم

بہتر فراهم می‌شود. به این صورت که

فروش نرم‌افزارها را تحریم می‌کنند و ما

دیگر نمی‌توانیم از نرم‌افزار آن‌ها استفاده

کنیم؛ و اگر استفاده کنیم از طرف نهادهای

بین‌المللی جریمه می‌شویم؛ اما الآن که

ایران عضو این معاهده‌های بین‌المللی

نیست ما کیپی می‌کنیم، آن‌ها هم

نمی‌توانند حرفی بزنند!

«لطفاً کد لایسنسی که خریداری کرده‌اید را وارد کنید.» این پیام را کجا دیده‌اید؟ احتمالاً شمایی که این متن را می‌خوانید لااقل برای یک‌بار هم که شده از یک نرم‌افزار کرک‌شده استفاده کرده‌اید. اصلاً همین الآن سرچ کنید که قیمت لایسنس نرم‌افزار آفیس چقدر هست. چیه حسی دارید وقتی که یک نرم‌افزار مثلاً ۵۰ دلاری را رایگان نصب می‌کنید؟ وقتی مراحل نصب نرم‌افزار تمام می‌شود و می‌خواهید آن نرم‌افزار را اجرا کنید، از شما می‌خواهد تا کدی را که ثابت می‌کند شما نرم‌افزار را خریداری کرده‌اید و رایگان استفاده

نمی‌کنید را وارد کنید. با این

کار سازنده می‌خواهد مطمئن

شود که شما محصول

اورجینال را خریده‌اید؛

و منافع مادی و معنوی

سازنده حفظ شده‌است.

قانون کیپی‌رایت یا حق

تکثیری، قانونی است که

کلیه حقوق یک اثر را

به ناشر یا پدیدآورنده‌اش

می‌دهد؛ تا کسی حق

تکثیر یا انتشار اثر را بدون

اجازه وی نداشته باشد. قانون

کیپی‌رایت برای آثار مختلف مثل

نقاشی، فیلم، موزیک و ... وجود دارد. جالب

است بدانید در شبکه‌های اجتماعی نیز

قانون کیپی‌رایت وجود دارد. در ایران قانون

کیپی‌رایت به صورت ملی وجود دارد؛ اما

به صورت بین‌المللی، ایران عضو کنوانسیون

برن (برای حمایت از حقوق صاحب اثر)

نیست. البته ما تنها نیستم و بعضی کشورها

مثل اوگاندا، سومالی، مالدیو و میانمار و چند

کشور دیگر هم عضو نیستند. دلیل اینکه

داخل کشور قانون کیپی‌رایت قابل اجراست؛

این است که اولاً مراجع رسیدگی، دسترسی

لازم برای رسیدگی به تخلفات و شکایات در

این زمینه را دارند و دوماً سازنده داخلی،

قیمت را متناسب با پول کشور ارائه





معرفی فیلم

نام اثر: مستند لمس مرگ

کارگردان: فرشاد یحیایی

تهیه کننده: محمد علی فیض اله زاده

سال تولید: ۱۴۰۰

مدت: ۱۶ دقیقه

لمس مرگ

امروز ۳۹۸، امروز ۴۰۵، امروز ۳۶۲ و... نفر از عزیزانمان را در اثر ابتلا به بیماری کرونا از دست دادیم! به راستی که چقدر اعداد اهمیتشان را از دست داده اند، انگار نه انگار که هر عدد، عددی است به بزرگی امید یک خانواده! اما در پس پرده این آمارها و اعداد چه روایت هایی جریان دارد؟ مستند لمس مرگ روایتی است شاید به ظاهر ترسناک، حتی ترسناک تر از مرگی که این روزها دیگر شتری نیست که روزی در هر خانه ای بخوابد؛ بلکه صاف آمده و بیخ گوشمان خانه کرده است. مقصد آخری که ایرانی و خارجی، جوان و پیر که هیچ نوزاد و پیر نمی شناسد، غنی و فقیر هم که دیگر جای خود دارد.

لمس مرگ، روایتگر آدم هایی است که مرگ غریبه و آشنا برایشان فرقی ندارد، حرمت و قدرت اعداد هنوز بین آنها محفوظ است و هنوز آنها برای تک تکشان کرامت و احترام قائل هستند و مسافران را راهی منزل ابدی می کنند. برای ما اعداد هرچقدر هم که عادی شده باشند؛ برای آنها یک هایی جدا هستند که باید شریف واقع شوند، کفن پوش گردند و بر پیکرشان نماز خوانده شود.

هرچند که وصله دل سنگی به آنها می چسبانیم؛ ولی می گویند که پا به پای مردم اشک ریخته اند؛ کسانی را دیده اند که تک و تنها عزیزانشان را به خاک سپردند؛ عزیزی که حتی از شناسایی متوفی خود ترس داشتند. منکر ترشان در روزهای نخستین نیستند! اما روزها و حتی ماه ها خانواده هایشان را ندیدند تا این بدرقه ها غریبانه تر از آنچه هست نباشد.

لمس مرگ می گوید: مگر می شود فقط برای خدا خطر کرد! حرف های عجیبی دارد، به عجیبی جمله ای که یکی از آنها گفت: وظیفه ما؟! آنها هیچ تفاوت ظاهری با آدم های دیگر ندارند اما دل هایشان چرا! دارند و به نظر من خیلی هم تفاوت دارند. و اما به راستی بدتر از مرگ غریبانه چیست؟



# ایرانگرد

مریم آتش سفیدی



اگر با ما همراه بوده باشید، در شماره‌های قبلی به روستاهای دیدنی استان آذربایجان شرقی سر زدیم. در این شماره قصد داریم از زیبایی‌های دیگر استان‌های ایران عزیزمان لذت ببریم. امروز قرار است به روستای ایبانه سفر کنیم.

فکر می‌کنم کمتر کسی باشد که نام روستای سنتی و دیرینه «ایبانه» به گوشش نخورده باشد. ایبانه روستایی سرسبز و خوش آب و هوا از توابع بخش مرکزی شهرستان نطنز در استان اصفهان است. این روستای بسیار دیدنی، در ۳۸ کیلومتری شمال غرب نطنز و در دامنه کوه کرکس واقع بوده و دارای آب و هوای سرد و معتدل است. به ایبانه در زبان محلی «ویونا» گفته می‌شود. ریشه این کلمه از دو واژه «وی» و «ویانه» به معنای بیدستان تشکیل شده و با گذر زمان به ایبانه تغییر کرده است. ایبانه، تابستان‌های نسبتاً گرم و زمستان‌های سردی دارد.

در روستا که قدم می‌زنیم، بافت روستا به صورت پلکانی و بناهای متصل به هم است. همچنین معماری خانه‌های روستا به نوبه خود درخور توجه است؛ چراکه پشت‌بام مسطح خانه‌های پایینی بدون اینکه هیچ دیواری دور آن‌ها باشد! به عنوان حیاط خانه‌های بالایی عمل می‌کنند. یکی از جذابیت‌های ایبانه کوچه‌های آن است که بدون بن‌بست هستند و همه کوچه‌ها به هم متصل‌اند.

ایبانه، به یاقوت سرخ ایران معروف است؛ به دلیل رنگ سرخ خاک و معماری‌های خانه‌ها. نمای خارجی خانه‌ها به رنگ سرخ است. خاصیت خاک سرخ این است که هرچه باران بیارد، محکم‌تر می‌شود؛ درست مانند مردم بومی روستا که تمام سنت‌ها و آداب اجداد و نیاکان خود را حفظ کرده‌اند.

لباس‌های سنتی مردم روستا، بسیار چشم‌نواز و دیدنی است. لباس مردان ایبانه: کلاه نم‌دی، قبا، شال کمر، شلوار گشاد و گیوه محلی است. زنان روستا هم چارقد‌های گل‌دار بلند، پیراهن و دامن‌های پرچین بر تن می‌کنند. ایبانه مکان‌های دیدنی و گردشگری زیادی دارد، زیرا این روستا دارای قدمت ۱۵۰۰ ساله است. از مکان‌های دیدنی روستا می‌شود به آتشکده (قدیمی‌ترین اثر تاریخی روستا)، زیارتگاه هینزا، خانقاه‌ها، قلعه‌های پاله و هروه، آسیاب‌ها و چشمه‌های رئیسون و وشاسیدرا اشاره کرد که سالانه گردشگران بسیار زیادی دارد. جالب است بدانید که شاهان صفوی در تابستان برای ییلاق به ایبانه می‌رفتند و آنجا اقامت داشتند.

سوغات ایبانه لواشک، زیورآلات دست‌ساز، لبنیات، قالی و گیوه است.

از زیبایی‌های این یاقوت سرخ ایران هرچه بگوییم کم گفته‌ام، امیدوارم حتماً بعد از دوران کرونا به ایبانه سفر کنید و هر آنچه گفته شد با چشم جان ببینید و لذت ببرید.



# هتل فرهنگیان و پذیرش ۱۴۰۰

پذیرش فراتر از امکانات سال ۱۴۰۰ فرهنگیان

دوستان از سر و کول یکدیگر بالا می‌رفتند! سلف‌ها و حمام‌ها و... هایی که آن زمان هم در حد تعداد دانشجوها ظرفیت نداشتند؛ حال چطور می‌توانند این وزنه‌ی سنگین را تحمل کنند؟! به‌خصوص اینکه زمزمه‌هایی از تزریق واکسن و باز شدن مجدد دانشگاه‌ها به گوش می‌رسد! همین ماجرا سبب شد مسئولین محترم کاسه چه کنم چه کنم در دست گرفته و به دنبال ماستی باشند تا این قضیه را ماست‌مالی کنند! اما متأسفانه ماست مرغوب گیرشان نیامد و مجبور شدند به زدن دانشگاه در شهرستان‌ها روی بیاورند؛ و با ذره‌بین به دنبال مدرسه‌های بلااستفاده باشند تا سر دری به آنجا زده و با سلام و صلوات تبدیل به دانشگاه کنند! دانشگاهی که قرار است پرچم‌دار تعلیم و تربیت در سطح کشور باشد! حال سؤال اینجاست که آیا در این تصمیم‌گیری‌های کلان کیفیت آموزشی و سطح مهارت و سواد معلمی که از این تونل زیبای فرهنگیان! بیرون می‌آید، در نظر گرفته می‌شود؟! آیا زدن مارک فرهنگی‌بانی بودن به یک معلم کفایت می‌کند؟! امکانات رفاهی، صنفی و آموزشی دانشگاه که از ملزومات تربیت یک معلم است؛ در کجای این چرخ قرار دارد؟!

سپاس خدای عزوجل؛ که فرهنگیان را در مسیر سرنوشت ما قرارداد تا کنج خلوت و شب‌های تارمان بیکار نباشیم و با نقد و هشتگ‌گذاری روزگار بگذرانیم! گویا دیوار این فرهنگکده را بر روی پی کج ساخته‌اند که تا ثریا مشکلاتش تمامی ندارد!

چندی قبل بود که دوباره فرهنگیان نقل محافل گردید؛ اما این بار با عنوان پذیرش ۲۵ هزار دانشجو در کنکور ۱۴۰۰! خبری بس خوشحال‌کننده برای کنکوری‌های ناامید و خسته و نالان از درس و مشق! و خبری سخت مهیب و تکان‌دهنده برای ورودی‌های سال‌های قبل که یادآور صف‌های طولانی ناهار و حتی استحمام، بر قلب مبارکشان چون ریسمانی تنگ فشار می‌آورد! اگر نیک به این ماجرا بنگریم و امکانات کالج زیبایمان را در یک کفه‌ی ترازو و تعداد دانشجوهای قبولی را در کفه‌ی دیگر قرار دهیم، سنگینی تعداد دانشجوها جوری به ترازو جان! فشار می‌آورد که امکانات از کفه به بیرون پرت می‌شوند! حجره‌هایی به اصطلاح خوابگاهی که به میمنت استقبال دانشجویان، نه‌تنها دم و بازدم‌های اکسیژن دچار واماندگی می‌شدند؛ بلکه از شدت صمیمیت و فراخی جا و مکان،

«پيامی به دانشجویان خوابگاهی فرهنگیان: چه ضرورتی دارد دانشجو معلم بخوابد! بنشیند! استحمام کند! آبد انتظار غذا و سلف هم دارید؟! آخر پذیرش جدید در راه است کمی مؤدب باشید. عه!»



خوش مالی برای فرهنگیان»، «یک قدم تا افزایش چشمگیر حقوق معلمان» و ... نمونه‌ای از این تیتراهاست.

اما از ماه‌ها قبل که رسانه‌ها خبر تدوین لایحه رتبه‌بندی معلمان در دولت را دادند، این بار علاوه بر راننده تاکسی و نانوائی محله و بقال سر کوچه، خود معلمان هم اندکی شادمان شدند و نور آمیدی بر دل‌هایشان تابید؛ که گویا قرار است دولت تدبیر و امید در واپسین روزهای خود کاری کند کارستان! و قرار است با تبدیل رتبه‌بندی به قانون، معلمان هم از پس هزینه‌های زندگی و افزایش اجاره‌بها و خورد و خوراکشان برپایند و اندکی کمر راست کنند.

اما انتشار متن لایحه رتبه‌بندی که توسط دولت به تصویب رسیده بود؛ به یکباره فرهنگیان را ناامید ساخت و آن نور امید روشن‌شده در دل‌هایشان نیز به خاموشی گرایید.

چراکه رتبه‌بندی جدید به گونه‌ای طراحی و تدوین شده بود؛ که دایره افرادی که افزایش حقوق ناشی از آن شامل حالشان خواهد شد، تنگ‌تر از قبل شده بود. دیگر خبری از امتیاز تعجیل در رتبه‌بندی، درازای خدمت در مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته نبود. خبری از اجرای رتبه‌بندی برای نومعلمان فارغ‌التحصیل از دانشگاه فرهنگیان لااقل برای ۲ سال نبود؛ تا حقوق این نو معلمان را به خط فقر که نه! به حداقل حقوق مصوب کارگری برساند. از لایحه ارائه‌شده به مجلس، بوی الزام توقف ۶ ساله در هر رتبه می‌آید؛ یعنی معلمی اگر شانس و اقبال با وی یار باشد؛ شاید بتواند در سال آخر خدمتش آخرین و عالی‌ترین رتبه را کسب نماید. ظاهراً وزارت پرزرق و برقمان در این رتبه‌بندی جدید، بیش از آنکه به دنبال شایسته‌سالاری باشد به دنبال سابقه سالاری است! و توجهی به نومعلمان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه فرهنگیان که بخش اعظمی از همکاران فرهنگی را شامل می‌شود ندارد.

همگی چشم امید دوخته‌ایم به مجلسی که با شعار مجلس انقلابی بر سرکار آمد؛ تا ببینیم با لایحه رتبه‌بندی‌مان چه خواهند کرد. باید بود و دید که چه می‌شود...

## رتبه‌بندی شرح ما واقعی از داستان دراز و طویل رتبه‌بندی معلمان

امروز می‌خواهم از کلمه‌ای بنویسم که چند سالی است ورد زبان‌ها شده است. کلمه‌ای که به لطف مسئولین محترم وزارت آموزش و پرورش، قرار بود مشکل معیشتی فرهنگیان را بهبود بخشد و معلمان را همانند و هم‌پایه با اساتید و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها کند؛ اما درواقع زخمی شد بر دل معلمان! آری درست فهمیده‌اید؛ می‌خواهم از رتبه‌بندی بنویسم. رتبه‌بندی که سال‌های سال است قرار است اجرا شود. رتبه‌بندی که هر مسئولی بر سرکار آمده و پشت‌میزنشین شده، به شیوه خاص و من‌درآوردی خودش اجرای بر دیوار کج رفته آن نهاده و رفته است. از رتبه‌بندی می‌گویم که در طی چندین سال اخیر به هزاران شکل عجیب و غریب اجرا شده؛ اما دریغ از اندکی تأثیر بر زندگی و معیشت معلمان. الحق والانصاف رتبه‌بندی هر قدر که برای معلمان آب نداشت؛ برای صداوسیما و رسانه‌ها که نان داشت. گویی هر خبرنگار با خود عهد و پیمان بسته که هرروز خدا، با مسئولین وزارت آموزش و پرورش مصاحبه‌ای در رابطه با رتبه‌بندی و افزایش حقوق معلمان انجام دهد؛ اما سؤالی که بدجور ذهن من را به خود درگیر کرده این است که مگر صداوسیما خبر دیگری ندارد که هر دو روز یکبار، رتبه‌بندی و افزایش حقوق معلمان می‌شود جزء عناوین اصلی اخبار سراسری و تیتُر اول روزنامه‌های کشور؟! انصافاً تیتُرهای خوبی هم می‌زنند؛ «خیز بلند وزارت آموزش و پرورش برای گرفتن زیر دو خم حقوق معلمان»، «خبرهای







**از رشته تحصیلی، علاقه و گرایش‌تان به این رشته  
برامون بگید و اگر فرصتی فراهم شود که دوباره به  
گذشته بازگردید، همین مسیر را طی خواهید کرد؟**

رشته‌ی تحصیلی بنده در تمام مقاطع تحصیلی از دیپلم گرفته تا دکترا ریاضی کاربردی بوده؛ ولی به دلیل استعداد و ارتباط رشته‌ی اینجانب در زمینه‌ی کامپیوتر به غیر از ۵ الی ۶ سالی که در دانشگاه‌های دیگر رشته‌ی تخصصی ریاضی تدریس کردم، بقیه‌ی سال‌های خدمتم تدریس در حوزه‌ی فناوری بوده و همچنین کارهای اجرایی در حوزه‌های پژوهش و فرهنگی در حوزه‌ی فناوری بوده.

در رابطه با سؤال شما؛ اگر دوباره به گذشته برمی‌گشتم همین مسیر خدمت را در عرصه‌ی تعلیم و تربیت بر عهده می‌گرفتم؛ چون علم‌آموزی و آموختن علم یک جایگاه بالا و ارزشمندی در زندگی‌ام دارد.

**برای آینده کاری در حوزه خودتان چه اهداف و برنامه‌هایی دارید؟**

همیشه یکی از اهداف و برنامه‌های من سعی در محقق کردن تشکیل انجمن‌های فناوری- دانشجویی در رشته‌های مختلف درسی در دانشگاه فرهنگیان تبریز بوده باهدف تبدیل ایده‌های فناوری آموزشی به محصول و کاربردی کردن نظریه‌های یادگیری در تولید محتواها با حمایت از دانشجویان ساعی و علاقه‌مند بوده است. امیدوارم عمری باقی باشد و با این اهداف، بتوانم قدمی در جهت پیشبرد علمی کشورم بردارم.

**با توجه به اینکه در این شرایط (ویروس منحوس کرونا) به سر می‌بریم، به نظر شما آیا وضعیت آموزش مجازی در دانشگاه فرهنگیان از کیفیت لازم برخوردار است؟ در مورد معایب و مزایای این آموزش برامون صحبت کنید؟**

به نظر بنده کرونا سرعت رشد فضای مجازی را افزایش

خانم دکتر شکوری سلام عرض می‌کنم خدمت شما، امیدوارم در این روزهای کرونایی حالتان خوب باشد. تشکر می‌کنم که قبول زحمت فرمودید و درخواست ما را برای مصاحبه پذیرفتید.

**لطفاً برای شروع، خود را مختصری برای همراهان نشریه قلم معرفی فرموده و از افتخارات شخصیتون برامون بگید؟**

با سلام و درود به محضر شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، مقام معظم رهبری و به همه همراهان نشریه، اینجانب بیتا شکوری متولد شهر تبریز، تحصیلات دانشگاهی‌ام را در سال ۷۶ در رشته‌ی ریاضی کاربردی از دانشگاه تبریز شروع کردم و با کسب رتبه‌ی اول فارغ‌التحصیلی، از سال ۱۳۸۲ وارد دستگاه تعلیم و تربیت آموزش‌وپرورش شدم؛ و در حین خدمتم علاوه بر مسئولیت‌های آموزشی، اجرایی و پژوهشی که در آموزش‌وپرورش داشتم، دوره‌های آکادمیکی تحصیلی فوق‌لیسانس و دکتری ریاضی کاربردی گذراندم در حال حاضر نزدیک ۱۷ سال سابقه‌ی خدمت که ۹ سال آن در خدمت دانشگاه فرهنگیان تبریز به‌عنوان استاد و مدرس فناوری و عضو قطب کشوری کد نویسی پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی مشغول به خدمت هستم. البته این موضوع را در ابتدا در مورد خودم عرض کنم که تا موفقیت فاصله‌ی خیلی زیادی دارم؛ ولی به برخی از این موارد اشاره می‌کنم: اولین افتخارات خودم تدریس در بین دانش‌آموزان عزیز آسیب‌دیده شنوایی و قبولی صد درصد این دانش‌آموزان در امتحانات نهایی هنرستان‌های کشوری در دروس کامپیوتر بوده، کسب عنوان معلم نمونه‌ی ناحیه‌ای سال ۹۳، کسب عناوین استاد نمونه‌ای مدعو گروه علوم پایه پردیس فاطمه الزهرا (س) دانشگاه فرهنگیان تبریز و بانوی فرهیخته از طرف امور بانوان استان آذربایجان شرقی در سال ۹۵، کسب رتبه‌های برتر در حوزه تولید محتواهای الکترونیکی و پژوهشگری و در نهایت افتخار خدمت در دانشگاه فرهنگیان را می‌توانم نام ببرم.



این سؤال به نظر من تأمل برانگیز است؛ ولی طبیعتاً به نظر من، دانشجویان بیشتر به ابعاد آموزشی و فن بیان و مهارت‌های تدریس و داشتن اشرافیت خوب به موضوع و معیارهای اخلاقی، صبوری، مسئولیت‌پذیری و روحیه‌ی پژوهشی یک استاد توجه می‌کنند. من سعی کردم این ویژگی‌ها را در خودم تقویت کنم؛ شاید لغزشی هم داشتم ولی همیشه تلاشم بر این بوده که خودم را از دید دانشجویان هم ارزیابی کنم و نکات ضعفی که داشتم رفع کنم. ولی طبیعتاً بهترین پاسخ را از دیدگاه دانشجویان باید پرسید.

**طی یکی دو سال اخیر که درگیر کرونا بودیم، از دوران قرنطینه و دوری از فضای حضوری دانشگاه چه استفاده‌ای نمودید و به چه فعالیت‌های دانشگاهی یا غیردانشگاهی پرداختید؟**

سعی کردم همیشه در خدمت اساتید و دانشجویان و حتی معلمان در شرایط قرنطینه باشم و در حد توانم پاسخگوی مشکلات و سؤالات نرم‌افزاری و مجازی شدم و در کنار آن همواره و همیشه خودم را درگیر مطالعه و یادگیری نموده‌ام.

**صحبت پایانی یا اگر درخواستی از مخاطبان نشریه قلم دارید، لطفاً بفرمایید.**

بنده نیز به‌عنوان عضو کوچکی از جامعه‌ی تعلیم و تربیت کشور لازم میدانم تشکر و قدردانی خودم را از مسئولین و دانشجویان محترم نشریه قلم ابراز بدارم که بنده را لایق این همه لطف و محبت خودشان قرار دادند؛ و بر خود وظیفه میدانم که خاطرنشان کنم، تا تحقق آرمان‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی کشور از هیچ تلاش، سعه‌صدر و امید دست برداریم و همه‌ی ما در سرنوشت میهن عزیز و اسلامی‌مان مسئول هستیم تا قدم‌های مثبتی برداریم و شرمندگی شهدای عزیزمان نباشیم. در انتها دعایی که می‌کنم: خدایا ما را جزو بندگان صالحت قرار ده و مردم سرزمینم و کل کشورهای اسلامی را از جور و ستم حفظ کن و فرج منجی دل‌ها را برسان.

آمین یا رب العالمین.

**خانم دکتر شکوری عزیز از اینکه فرصتتان را در اختیار ما قرار دادید و این مصاحبه را با ما انجام دادید، بسیار متشکرم. امیدوارم در زندگی‌تان شاد و سلامت باشید و موفق‌تر از قبل همیشه بدرخشید.**

داد؛ اما متناسب با آن، بهره‌برداری از فضای مجازی به‌صورت اصولی اتفاق نیفتاده؛ از جمله عدم طراحی تولید محتواهای الکترونیکی تعاملی، عدم رعایت اندک پداگوژی‌های نو در فضای مجازی و گاهی اشتباهات رایج در طراحی آموزشی و عدم تغییر سبک آموزش و ارزشیابی مجازی تا حدودی باعث شده که یک مقدار خلأهایی به وجود آید؛ و آن کیفیت مطلوب که باید داشته باشیم محقق نشده است. طبیعتاً مزایای آموزش مجازی با داشتن زیرساخت‌های اینترنتی و سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مناسب چه از بعد جغرافیایی و زمانی و چه هزینه باعث تحولی در مفهوم علم‌آموزی شده است؛ و از آنجایی که آموزش‌های مجازی، آموزش‌های بدیل و خوبی جهت جایگزین آموزش‌های حضوری نیستند، شاید متأسفانه مهم‌ترین مشکلی که فضای آموزش مجازی باعث شده آسیب رساندن به رابطه‌های انسانی اجتماعی بوده است.

**به نظر شما چه کمبودهایی در حوزه فناوری دانشگاه احساس می‌شود؟**

بنده در طول ۹ سال که در دانشگاه فرهنگیان تبریز در حوزه فناوری تدریس داشتم، متأسفانه زیرساخت‌های سخت‌افزاری و کم بودن سیستم‌ها، همیشه یک کمبود اولیه بوده است. هرچند در مقایسه با سال‌های قبل بهتر شده؛ اما به نظر بنده به مطلوبیت لازم نرسیده است. مورد دوم، کمبود در سرفصل‌های دروس فناوری، عدم پیاده‌سازی و تخصصی نبودن مطالب در این حوزه است.

**وضعیت دانشگاه فرهنگیان را چطور توصیف می‌کنید؟ (با توجه به تجربه حضور شما در جو دانشگاه). عالی، خوب یا بد؟! و چرا؟**

به نظر بنده دانشگاه فرهنگیان که به‌عنوان نهاد اصلی تربیت معلم و رکن تحول و تعالی آموزش و پرورش تأسیس شده و یکی از وظایف و مأموریت‌های راهبردی، توانمندسازی و ارتقای شایستگی‌های عمومی، تخصصی و حرفه‌ای منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش است؛ با توجه به اینکه اقدامات مثبتی انجام‌شده و با این نکته که هر قدمی در آغاز ممکن است با بسیاری مشکلات همراه باشد؛ ولی باید همواره گام‌های مؤثری را در جهت شأن و جایگاه مطلوب دانشگاه فرهنگیان برداریم.

**اگر شما دانشجوی خودتان بودید، دکتر شکوری را چگونه توصیف می‌کردید؟ (توصیف خودتان از نگاه دانشجوها)**





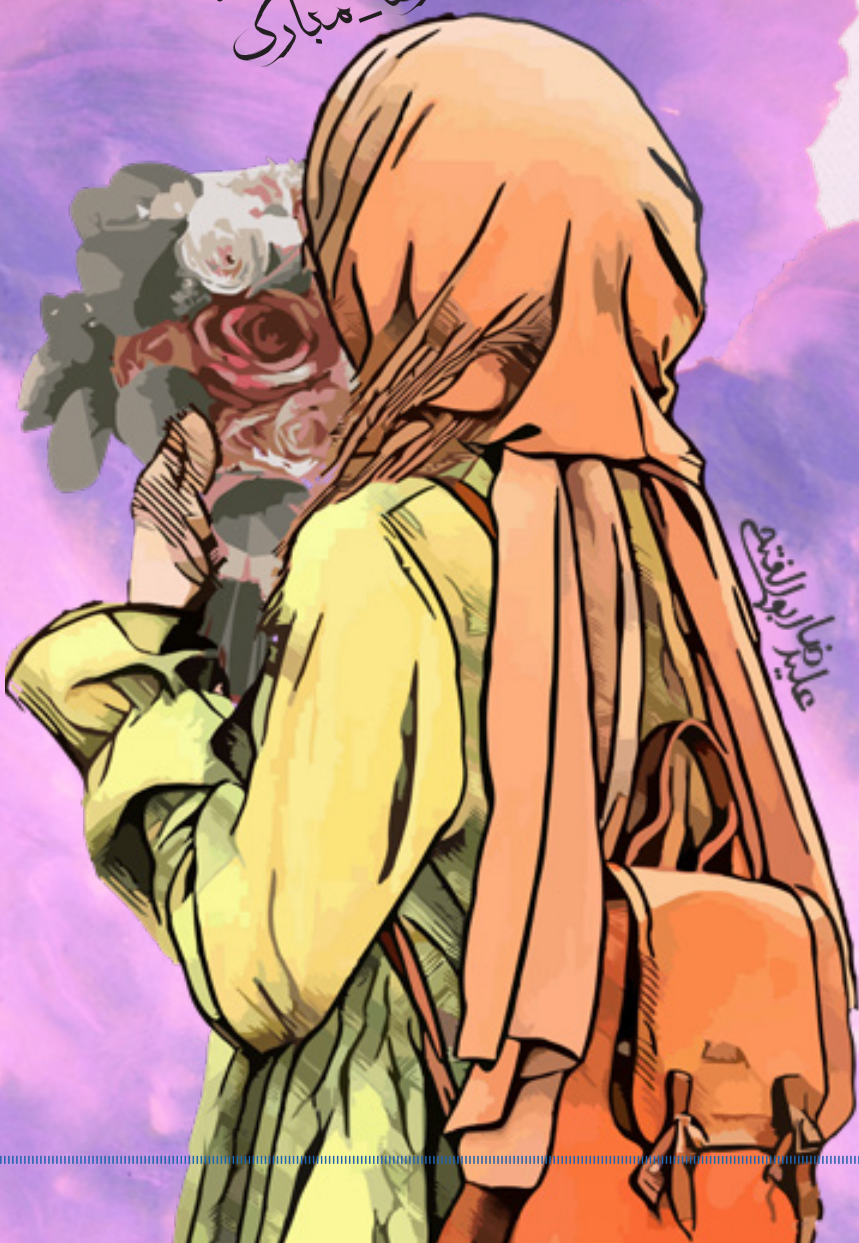
# روز حفظه نگار شهری

به نام آنکه دختر آفریده  
و کس زیباتر از دختر ندیده  
به ظاهر، خوش برو و ظریف است  
دل او هم چو بزرگ گل، لطیف است

همیشه فکر درس و امتحان است  
همان از بچی شیرین زبان است  
و قلبی داردش معصوم و ساده  
و بعضاً هم کمی دارد افاکه!

به یک گل می شود راضی دل او  
پدر را باشد او غمخوار و دلجو  
لباس و تیپ او دائم بروز است  
ولی در آشپزی، بعضاً رفوز است!

نگو دختر، بگو شیطان کوچکی!  
بباشد #روز-دخترها-مبارکی  
خیال بافی در آوی حد و حصر است  
و مدرن ایده آتش، شاه قصر است!





# امید باید باشد!

محدثه محمدی

سیاسی و اجتماعی  
ماهانامه فرهنگی

حیات

فرهنگی - اجتماعی

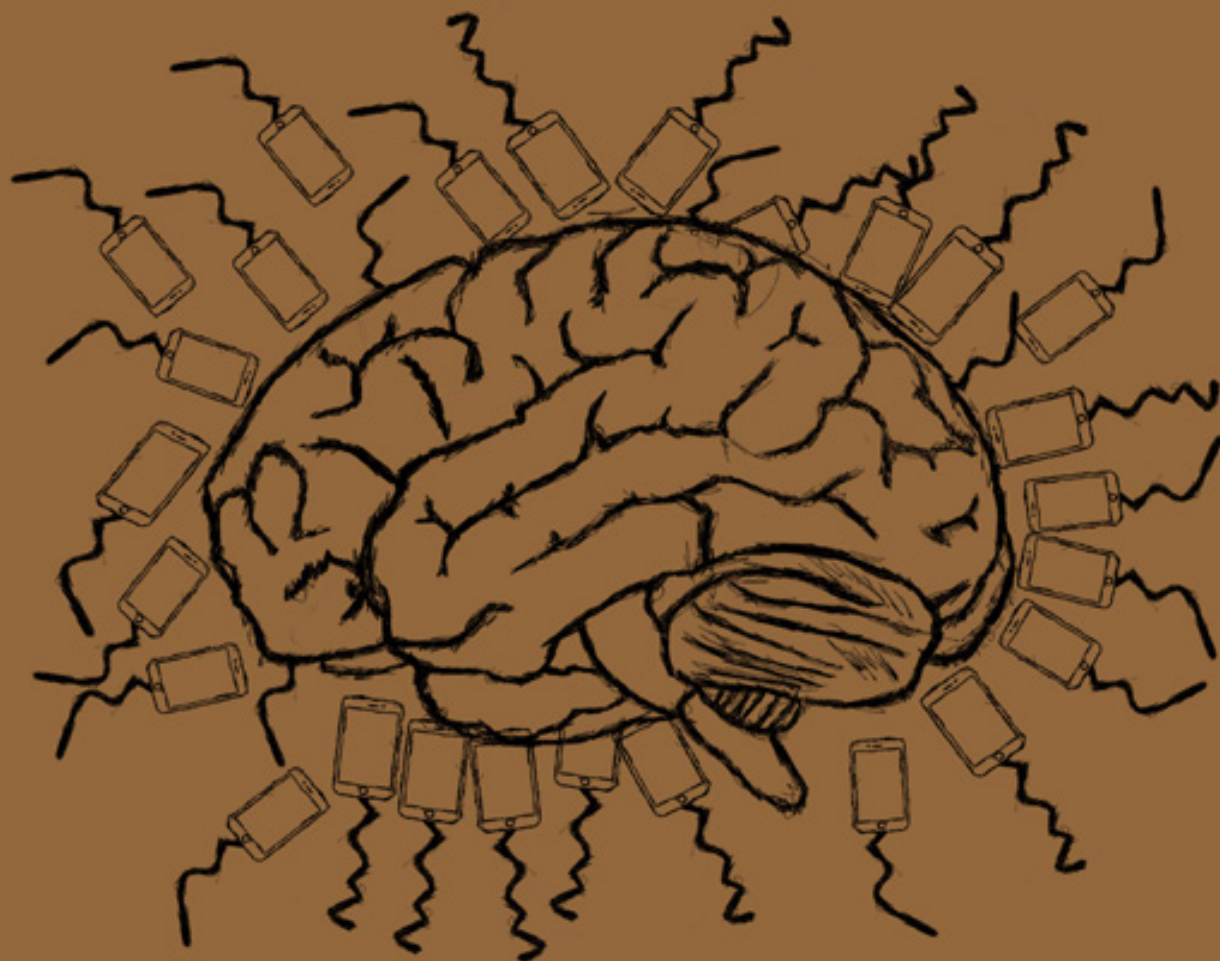
به ایرج بیندیش که رسیده‌ای به سال ۱۵۰۰...  
الآن قطعاً پوزخندی روی لب‌ت نشسته و می‌گویی: نیستیم تا آن موقع؛ خدا را شکر!  
خسته‌ای پس! نه... نمی‌خواهم بلندپرواز باشم و مثلاً به عمر جاودانه فلانم... اصلاً دیردوره  
افسانه‌ها گذشته!  
حالا فلرت را ببری ۱۰۰ سال دیر... تا رسیدن به انتها سخت گذشت؟!  
یادت است چقدر به جان خودت و دوروبری‌های غرزدی؟! که کاش تمام شود... کاش اینجا  
به دنیا نیامده بودم... ایرج هم شد زندگی؟!  
هنوز همان ۱۵۰۰ همان تا کمی بیشتر خاطره بازی کنیم!  
آن زمان‌ها احتمالاً ۲۰ ساله بودی یا شاید هم ۲۵ ساله...  
بزرگ‌ترین درگیری‌ات رنگ بنفس بود و دست و پايت را جمع کرده بودی و در انتظار تدبیر...  
چقدر به ایرج دروآن در زدی تا بتوانی نفس بگیری؟!  
یادت آمد؟! قطعاً الآن داری با خودت می‌گویی: تو فلان کی یادم بده! اصلاً من آن موقع جهنم  
دنیا را تجربه کردم تا بی تاب بهشت باشم!  
دوربین که روشن می‌شده می‌گفتند: بخند!  
کج خندی می‌زدی و می‌گفتی: بخندم؟! چطور؟! اصلاً به چی بخندم؟!  
من نمی‌دانم چرا کسی نبود که بگوید: حالا تو نمی‌خندی، دیر خاکت نمی‌کنند؟!  
آری! خاک می‌شد عاشق چشم و ابروی بی‌حال و عصبی‌ات؛ و تو را از شرم مار و عقرب‌های  
مصون می‌داشت!  
خب حالا بیا به الآن... به سال ۱۴۰۰... آرام آرام محوس لب‌ت را بیشتر کن. بخند! هنرمعاری ثابت  
کرده است گاهی اوقات محوسی کوچک، مانع فروپاشی ساختمان بزرگی می‌شود!  
بخند... امیدوار بخند!







# رسانه و فرهنگ



محمد نیک‌دل



# ما را در فضای مجازی دنبال کنید

برای دسترسی به لینک‌ها در نسخه الکترونیکی،  
روی آیگن‌ها و یسا لینک‌ها لمس کنید.



[/t.me/  
Qalam\\_Journal](https://t.me/Qalam_Journal)



[/instagram.com/  
qalam\\_journal](https://www.instagram.com/qalam_journal)

برای وارد  
شدن به  
سایت روی  
آدرس سایت  
لمس کنید.



[Qalamcfu.ir](http://Qalamcfu.ir)





مهدی

شروع نهضت پانزده خرداد هم به برکت عاشورا بود...

پانزده خرداد سال چهل و دو بادوازدهم محرم مصادف بود، امام یزرگوار مارضوان الله تعالی علیه با بهره برداری به بهترین شکل ممکن از ماجرای عاشورا و محرم، توانستند پیام حق و داد برآمده از دل خود را به گوش مردم برسانند و مردم را متحول کنند. اولین شهدای ما هم در ماجرای پانزده خرداد، در تهران، ورامین و بعضی جاهای دیگر، همین سینه‌زنهای حسینی بودند که آمدند و در معرض تهاجم دشمن عاشورا قرار گرفتند. مردم ایران به پیروی از حسین بن علی علیه السلام، درس عاشورا را گرفتند و در نتیجه خون بر شمشیر پیروز شد.

